



## ویژگی‌های الگویی حضرت خدیجه (س)

دکتر حسین سلطان محمدی

فاطمه سلطان محمدی

### چکیده

حضرت خدیجه (س) نخستین زن مسلمان، نخستین همسر پیامبر اسلام (ص) و از هر جهت مظهر کمالات انسانی و ایثار و مقاومت بود. همسری خردمند، مدبر و مهربان، مادری آزموده و فضیلت‌پرور، مجاهدی مقاوم و صبور، ایثارگری مخلص و بی‌نظیر، راست قامتی با عزت و نستوه که به‌راستی زندگی سراسر درخشان او، عالی‌ترین الگو برای زنان با شخصیت است. با مقایسه آغاز و پایان زندگی حضرت خدیجه (س)، به‌راستی بانویی تکرارناپذیر و نابغه بود. در همه تاریخ بانویی جز دخترش حضرت زهرا (س) سراغ نداریم که در کوران‌های شدید حوادث، با ایثار و مقاومت و استقامتی عجیب، همچون خدیجه (س) به میدان زندگی وارد شود و همه هستی خود را در طبق اخلاص نهاده و فدای حق کند و سخاوتمندانه با شهادتی وصف‌ناپذیر به دفاع از حق بپردازد. روش جمع‌آوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای بوده است. آشنایی با چهره مؤثر حضرت خدیجه در پیشبرد اهداف اسلام، نحوه کمک و یاری وی به اسلام، بررسی ابعاد شخصیتی، اقتصادی و سیاسی این بانو در آن زمان، نشان‌دادن یک الگوی زن کامل از تمام جهات و تأثیر شگفت‌آور او در تاریخ اسلام از اهداف این تحقیق است. در این تحقیق به ویژگی‌های الگویی حضرت خدیجه (س) از قبیل: ۱. ویژگی الگویی در بعد اعتقادی؛ ۲. ویژگی الگویی در بعد عبادی؛ ۳. ویژگی الگویی در بعد خانوادگی؛ ۴. ویژگی الگویی در بعد اجتماعی؛ ۵. ویژگی الگویی در بعد اقتصادی و ۶. ویژگی الگویی در بعد سیاسی اشاره شده است.

واژگان کلیدی: اسلام، زن، الگو، حضرت محمد (ص)، حضرت خدیجه (س).

## مقدمه

در قلب شبه جزیره عربستان در خانواده‌ای فرهنگ‌ساز و بیگانه با آداب و رسوم خرافی روزگار، دختری چشم به جهان گشود که در زندگی تاریخ سازانه‌اش نشان داد که که ریشه‌ای به زلالی آب زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و دور از دسترس داشت. پس از ولادت او، خاندانش، برخلاف رسم سپاه زمانه (زنده به گور کردن دختران)، ولادت او را گرامی داشتند و پدر و مادرش «خویند» و «فاطمه» در همان مراسم ساده و روح بخش، نام او را «خدیجه» به مفهوم گسسته و بیگانه از زشتی‌ها و ناپسندی‌ها برگزیدند. حضرت خدیجه (س) پانزده سال قبل از ولادت پیامبر اسلام (ص) و (۵۵ سال قبل از بعثت) در شبه جزیره عربستان (حجاز) چشم به جهان گشود.<sup>۱</sup>

آن حضرت، دختر خویند بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بود، که جناب قصی، جد چهارم پیامبر اسلام (ص) می‌باشد. بنابراین حضرت خدیجه نیز با چند واسطه دختر عموی پیامبر (ص) بودند و از جهت ریشه خاندانی با یکدیگر متحد می‌شوند. لذا سلسله نسب حضرت خدیجه به حضرت اسماعیل و ابراهیم خلیل الله (ع) که جد ۲۸ و ۲۹ رسول الله است، می‌رسد.<sup>۲</sup> او مادرش فاطمه، دختر زائده، است.<sup>۳</sup>

معنویت و معرفت والا، قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری و آینده نگری، آگاهی از آموزه‌های هدایت بخش پیامبران الهی و کتب آسمانی، حق طلبی و حق شناسی، راستگویی و درستکاری، شکیبایی و پایداری، ایثار و فداکاری، و به طور کلی بینش و منش حضرت خدیجه (س) در ابعاد گوناگون زندگی، او را به صورت نمونه و الگویی جاودانه برای کمال جویان طریق انسانیت جلوه گر می‌سازد. در این مقاله سعی ما بر آن است تا برخی از مهم‌ترین اوصاف و اعمال متعالی آن بانو رابه عنوان یک الگوی کامل در میان زنان بر شمیریم. چرا که تعیین الگوهای صحیح و تاکید بر پیروی از ایشان و نیز رسوا کردن الگوهای نا صحیح و غلط و در هم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی است. اما قبل از ورود به بحث ابتدا لازم است تا واژه الگو را از نظر لغوی مورد بررسی قرار دهیم:

## الگو در لغت

الگو در لغت به معنای طرح، سرمشق، مقتدا، پیشوا، نمونه، مثال، مدل و غیره آمده است.<sup>۴</sup>

الگو در عربی به «أسوه و قدوه» تعبیر می‌شود به معنای پیشوا، مقتدا،<sup>۱</sup> اما در اصطلاح و در علوم گوناگون به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است.

۱. مقدسی، مطهرین طاهر، البدء والتاریخ، بیروت، دارالجنان، ج ۵، ص ۱۰.

۲. الاصفهانی، ابو الفرج، مقاتل الطالبین، قم، موسسه دارالکتاب، چاپ دوم، ص ۲۹.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، (بیروت)، ج ۸، ص ۱۰۵.

۴. دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۸۹۷.

در فرهنگ و علوم اجتماعی الگو به انسانی کامل و رشد یافته‌ای گفته می‌شود که لیاقت سرمشق بودن دیگران را داشته باشد. در مورد انسان، الگو به شخصیتی گفته می‌شود که به دلیل دارا بودن برخی خصوصیات، شایسته تقلید و پیروی است.<sup>۲</sup> مقتدا یعنی خصلتی که شخص بدان لایق پیشوایی گردد در قرآن کریم، در سه مورد<sup>۳</sup> این واژه به کار رفته است مانند «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»<sup>۴</sup> از نظر قرآن، الگوی مثبت یعنی کسی که پیروی از او امکان ظهور استعدادها و توانمندی‌های فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

### بخش اول: ویژگی الگویی حضرت خدیجه (س) در بعد اعتقادی

از آنجا که جهان‌بینی انسان، زیر بنای اعمال و رفتار او را تشکیل می‌دهد، تربیت فکری و اعتقادی نیز مقدمه‌ای برای تربیت وی در ابعاد مختلف اخلاقی، سیاسی و... به شمار می‌آید؛ از این رو، در فصل نخست این بخش، ویژگی اعتقادی آن حضرت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### الف: تحقیق؛ مستلزم پرسش

از ویژگی مهم زنان الهی این است که اعتقادات خود را بر اساس تحقیق به دست می‌آورند و تحقیق مستلزم پرسش و جو و دقت نظر عمیق است. و پس از اینکه بعد از تحقیق به حقیقتی دست یافتند و معتقد شدند، دیگر به این سادگی از آن دست برداشته و تا جایی که جان در بدن دارند از آن دفاع می‌کنند.

حضرت خدیجه (س) با وجود برخورداری از زر و زیور، جمال و کمال، شهرت و آوازه، و اقتدار و استقلال، هرگز به دام آفت‌های آنها گرفتار نگشت و پیوسته از فطرت حق طلب و حق پذیر بهره مند بود. روایت شده که پس از فرود آمدن پیاپی فرشته وحی بر پیامبر (ص) و آوردن آیات قرآن، خدیجه (س) کم کم با آیات هدایت بخش و زندگی ساز قرآن و نیز با نام جبرائیل (ع) و جایگاه او در پیشگاه خدا آشنا گردید و روحیه حق طلبی، او را بر آن داشت که به تحقیق در این زمینه پردازد تا آگاهانه و با تشخیص صحیح حق، به پذیرش و پیروی از آن مبادرت نماید.

بنابراین، ابتدا به سراغ عمویش «ورقه» رفت که از کشیشان و عالمان آزاد اندیش مسیحی بود و در باره جبرائیل (ع) و حالاتی که از همسرش در هنگام دریافت وحی دیده بود، سؤالاتی پرسید و ورقه به او گفت: جبرائیل (ع) در سرزمینی نازل می‌شود که خداوند در آن پرستش شود و نوید داد که خیر عظیمی از سوی

۱. ابن منظور، لسان العرب، واژه اسوه

۲. ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۸، ص ۸۶.

۳. ممتحنه، آیه ۶ و ۴. احزاب، آیه ۲۱.

۴. احزاب، آیه ۲۱.

خدا نازل خواهد شد و محمد(ص) آخرین فرستاده خداوند است که مژده آمدنش در تورات و انجیل داده شده است. سپس علائم او را از آن دو کتاب آسمانی برای خدیجه(س) ذکر نمود.

آن گاه خدیجه(س) برای کسب آگاهی بیشتر به سراغ «عداس» یکی دیگر از پارسایان و کشیشان مسیحی که پیرمردی سالخورده بود، رفت و نخست پیمان گرفت که موضوع مورد سؤال را نهان دارد و سپس در باره موارد فوق به مشورت با او پرداخت و او نیز نظری شبیه به نظر ورقه داد.

پس از آن، خدیجه(س) جریان دیدار و مشورت با دو پارسای روزگارش، ورقه و عداس را به اطلاع پیامبر(ص) رساند و این بار به اتفاق یکدیگر به دیدار عداس آمدند و آن کشیش پارسا پس از گفتگو با رسول خدا(ص) از آن حضرت خواست تا لباسش را کنار زند و میان دو شانه اش را نمایان سازد. پیامبر(ص) جامه اش را کنار زد و عداس چون علامتی را که می جست، در میان دو شانه رسول اکرم(ص) مشاهده کرد، به سجده شکر افتاد و با اطمینان خاطر گفت که آن حضرت همان پیامبری است که موسی(ع) و عیسی(ع) آمدنش را نوید داده اند.<sup>۱</sup>

بر این اساس خدیجه(س) هنگام استقبال از پیامبر(ص) در سیمای ملکوتیشان درخشندگی و معنویت خاصی دید، و از پیامبر پرسیدند؟ «وَمَا هَذَا النُّورُ؟» «این نور چیست!؟».

پیامبر(ص) فرمودند: «هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ قَوْلِي لِإِلَهِ الْأَلِهَةِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»؛<sup>۲</sup> ای خدیجه! این روشنایی، فروغ تابناک رسالت است، پس اینک با تمام وجود بگو خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد(ص) پیامبر خداست.».

این جا بود که حضرت خدیجه(س)، احساس ویژه‌ای در دلش کرد و گفت: من از زمان‌های گذشته در انتظار چنین روزی بودم و در این مورد مطالعه و فکر کرده‌ام، پس با همه وجود به یکتایی خدا و رسالت محمد(ص) ایمان آورد: «أَمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ»؛<sup>۳</sup> «ای پیامبر خدا! من به آنچه خدا فرو فرستاده، ایمان آوردم و دین و آیین او را تصدیق نمودم و به گرایش به این راه و رسم خشنود گردیده‌ام و در برابر فرمان خدا فرمان بردارم.»

بدین ترتیب، آن بانوی خرد و اندیشه، با احساس اطمینان در دل حق جوی خویش و با ایمان کامل، راه و رسم نجات بخش رسول خدا(ص) را برگزید و تا پایان عمر شریفش در برابر حق تسلیم محض بود.

<sup>۱</sup> بحار الانوار، همان، ج ۱۸، ص ۲۲۸.

<sup>۲</sup> علی بن یوسف حلّی، العدد. القویه، ص ۲۳۷؛ زین الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب ال ابيطالب، ج ۱، ص ۴۸.

<sup>۳</sup> محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۲.

**ب: استواری و استقامت اعتقادی**

اسلام عبارت است از اعلام قانون گرایی و فرمان برداری از حق و پذیرش ره آورد وحی و رسالت است. بر همین اساس است که امنیت انسان تضمین می‌شود، اما اگر این اعلام، همراه با باور و عقیده قلبی باشد، از آن به ایمان تعبیر می‌شود و به دارنده آن، مسلمان و با ایمان می‌گویند.

این تفاوت‌ها و نوشته‌ها برگرفته از آیه شریفه قرآن است، که می‌فرماید: «قَالَ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ كَمَا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلْتَكُمُ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> «اعراب بنی اسد و غیره که بر تو منت گذارده و گفتند ما ایمان آوردیم به آن‌ها بگو شما که (ایمانتان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید لکن بگویید ما اسلام آوردیم و اگر خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه گذشته‌ی شما می‌گذرد که خدا بسیار آموزنده و مهربان است.».

زنانی که از هویت فکری مستقل برخوردار هستند و ساختار اعتقادی خود را بر پایه تحقیق بنا نموده اند، در یافتن حقیقت از هیچ کوششی فرو گذار نکرده و پس از رسیدن به آن، بی درنگ قلب و دل را به آن می‌سپارند، به آسانی در برابر باورهای نادرست تسلیم نمی‌شوند و در دفاع از مبانی اعتقادی خویش، از خطرهای استقبال می‌نمایند و تا پای جان از آن دست بر نمی‌دارند. حضرت خدیجه (س) این چنین بود یعنی قبل از تبلیغ اسلام خودش پیامبر را شناخته و به ایشان ایمان آورده بود. اسلام و اسلام گرایی او نه احساسی بود و نه بر اساس پیروی از جریان محافظه کار و رایج جامعه و تاریخ بود و نه موسمی و فصلی و زودگذر؛ بلکه بر اساس آگاهی و شناخت و خردمندی و خردورزی و اخلاص و کمال طلبی بود.

بر همین اساس بود که خدیجه (س) دوشادوش امیرالمؤمنین و همفکر و هم‌مرزم و هم‌اندیش با او، اسلام آورد، به پرفرازترین مراحل ایمان اوج گرفت و در پیمانش راه کمال و جمال، پس از علی (ع) دست بیعت به پیامبر داد.

ایشان به محض اطلاع از پیامبری پیامبر با تمام تعصبات کاذب اجتماعی آن زمان خداحافظی کردند و به افتخار اولین زن ایمان آورنده را نصیب خود کردند.<sup>۲</sup> البته این انتخاب به دلیل تعصبات قومی و فامیلی نبود بلکه به جهت شناختی بود که از حضرت محمد (ص) داشتند<sup>۳</sup>

۱. سوره حجرات، آیه ۱۴.

۲. بحارالانوار: مجلسی؛ ج ۶۶، ص ۱۰۲.

۳. سیره ابن هشام، ج ۱، ۲۴۰.

این ویژگی، خدیجه (س)، در بسیاری از روایات بیان شده که ما به ذکر دو مورد کفایت می‌کنیم: - پیامبر (ص)، بارها در برابر ادعای دروغین برخی از زنان خود، در تجلیل از خدیجه (س) فرمود: «ما أَبْدَلْنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا لَقَدْ آمَنْتَ بِى حِينَ كَفَرَ النَّاسُ وَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ...»<sup>۱</sup> «خداوند هرگز همسر و همراه و مشاورى بهتر از او (خدیجه) به من ارزانی نداشت، چرا که در آن شرایط بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می‌ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد، و آنگاه که آنان من را در رسالتم، دروغ‌گو می‌دانستند، او با اخلاص و درستی و راستی من را در دعوتم گواهی داد و...». در تاریخ همچنین آمده است: «وَجَاءَتِ النَّبُوَّةَ فَأَسْلَمَتْ فَهِيَ أَوْلُ إِمْرَأَةٍ آمَنْتَ بِهِ...»<sup>۲</sup> «چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه (س) به اسلام رو آورد، او نخستین بانویی است که به ایمان آورد...».

از عایشه روایت شده است که: رسول خدا (ص) از خانه بیرون نمی‌رفت، مگر آن که خدیجه را یاد می‌کرد و بر او به خوبی و نیکی مدح و ثنا می‌فرمود. روزی از روزها غیرت مرا گرفت، گفتم: او پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را به شما عوض داده است. پیامبر (ص) غضبناک شد، به طوری که موی جلوی سرش از خشم تکان می‌خورد، سپس فرمود: نه، به خدا، بهتر از او را خدا به من عوض نداده، ایمان آورد به من، وقتی مردم، کافر گردیدند و تصدیق کرد مرا، هنگامی که مردم مرا تکذیب می‌کردند و در اموال خود با من مواسات کرد، وقتی مردم مرا محروم ساختند و خدا از او فرزندان روزی من کرد و از زنان دیگر محروم فرمود.<sup>۳</sup>

### ج: تسلیم بودن در برابر دستوره‌های الهی

از آنجا که تدبیر همه بخش‌های مختلف جهان هستی تنها به دست او صورت می‌پذیرد، لذا انسان می‌بایست با ایمان کامل و اعتقادی راسخ، تسلیم محض او شده و در اجرای فرمان‌های خدا لحظه‌ای به خود تردید و دو دلی راه ندهد.

یکی از ویژگی‌های برجسته حضرت خدیجه (ع) تسلیم محض بودن او در برابر حق و اطاعت بی چون و چرا از دستوره‌های الهی است. وی تجسم حقیقت و نمونه انسان کامل، و تسلیم محض خدا بود. و در پرتو درست اندیشی و حق طلبی و ایمان و عملکرد شایسته و تلاش و اخلاص خویش، به موقعیت و شرایطی از باور و تصدیق اوج می‌گیرد که به مقام والای صدیقین پر می‌کشد و به جایی می‌رسد که او را صدیقه

۱. محمد بن نعمان مفید، الافصاح فی امامة امیر المؤمنین، ص ۲۱۷؛

۲. عبدالرحمان بن علی بن محمد ابوالفرج، صفوة الصفوة، ج ۲، ش ۱۲۵، ص ۷.

۳. قاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۴۳۲.

۴. نمل: ۲۵ و ۲۶.

می‌گویند. در فرازی از زیارت نامه پیامبر در این مورد آمده است که: «السلام علی ازواجک الطاهرات الخیرات، امهات المومنین، خصوصا الصدیقه الطاهره، الزاکیه الراضیه المرضیه، خدیجه الکبری ام المومنین...»<sup>۱</sup> سلام بر همسران پاک و نیکوکردارت، که مادران مردم توحید گرا و با ایمان هستند به ویژه بر آن بانوی تصدیقگر حق و عدالت، آن بانوی پاک سرشت و پاک منش، آن بانوی خشنود از مهر و لطف خدا و مورد پسند حق، خدیجه ارجمند مام راستین و سرمشق درخشان مردم با ایمان و شایسته کردار.

### د: حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی

پس از ایمان و اعتقاد راسخ به خدا و پس از دل سپردن به او در اجرای فرمان‌ها و خواسته‌های الهی، قدم بعدی آن است که به نبوت، فرستادگان او ایمان آورده و اوامر آنها را که شعبه‌ای از دستورهای الهی است، جامه عمل بپوشانیم. لذا می‌توان گفت، کسی که خود را معتقد به رسالت انبیاء دانسته، اما از اوامر آنها سرپیچی می‌کند، در حقیقت طعم شیرین این اعتقاد را در کام خود احساس نکرده است.

از جمله اقداماتی که حضرت خدیجه (س) انجام داد تصدیق و تایید پیامبر (ص) بود و این یکی از کارهای مهمی است که دارای آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر (ص) و ناکامی دشمن و ایجاد سستی و تزلزل در عقاید خرافی آنان داشته است.

روایات بسیاری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که گویای اهمیت رویکرد خدیجه به پیامبر در آن فضای جاهلی و غربت رسول اکرم (ص) است. وقتی که حتی بسیاری از بستگان رسول اکرم (ص) نیز پیامبر را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند، خدیجه به محمد (ص) روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش استوار ماند.

در روایتی آمده است که: پس از اسلام و ایمان و نماز خواندن علی (ع) و خدیجه (س) روزی پیامبر گرامی آن دو را صدا زد و گفت: این فرشته وحی است که نزد من آمده و می‌گوید: اسلام و باور آن دارای شرایط و پیمان‌هایی است، سپس در مورد یکتایی خدا، صفات کمال و جمال او، رسالت پیامبر، فرود وحی و پیام آسمانی، ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و پاداش و کیفر آن دنیا و دیگر اصول و فروع اسلام، صحبت کرد و از آن دو پرسید: آیا به همه آنچه برای شما گفتم، گواهی می‌دهید؟ ابتدا امام علی (ع) و سپس خدیجه (س) اقرار و اعلام کردند که باور عمیق دارند و سپس: «فَوَضَعَ كَفَّ فِي كَفِّهِ...»<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹

<sup>۲</sup>. سیلاوی، الانوار الساطعه، ص ۳۳۹.



پیامبر (ص) به فرمان خدا دست مبارک را باز کردند و دست علی (ع) را در میان دست خود گذاشتند و فرمود: «علی جان! با من در مورد شرایط و مقررات اسلام بیعت کن که از من و آرمان من، همان گونه دفاع کنی که از خود دفاع کنی.»

امیرالمؤمنین غرق در شور و جذبه بود که با چشمانی اشک آلود گفت: «پدر و مادرم فدایت! به خواست خدا، همان گونه که فرمودی با تو دست بیعت می‌دهم.»

سپس پیامبر (ص) رو به خدیجه (س) کرد و از او خواست تا دستش را روی دست پیامبر (ص) قرار دهد و همان طور بیعت کند و او نیز با پیامبر (ص) بیعت کرد.

### هـ: بیعت با علی (ع)

شگفت آورترین صحنه زندگی خدیجه (ع) مربوط به قبول ولایت امیرمؤمنان (ع) و امامت اولاد امیرمؤمنان (ع) است با این که در آن وقت به قبول ولایت مکلف نبود، چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر (ص) و جوب می‌یافت. ولی او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) از امامت ائمه اطهار - که از نسل فرزندش فاطمه هستند - شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیر مؤمنان (ع) را می‌دانست.

علامه مجلسی در این باره می‌نویسد: «یک روز رسول خدا (ص) همسر مهربانش را خواست. او را در کنار خود نشانید و فرمود: «این جبرئیل است که می‌گوید، اسلام شروطی دارد: اول، اقرار به یگانگی خداوند. دوم، اقرار به رسالت رسولان. سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن. چهارم، اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آنها»

در پی این فرمایش پیامبر (ص) خدیجه (ع) به همه آنها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود. در مورد امیر مؤمنان علی (ع) رسول اکرم (ص) به خصوص به خدیجه (س) فرمود: «هو مولاک و مولی المؤمنین و امامهم بعدی؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آنها پس از من است»

رسول گرامی بعد از آن که عهد اکید از خدیجه (س) گرفت، اصول و فروع، واجبات و محرمات را به وی آموخت. آن گاه، دست خود را بالای دست امیر مؤمنان (ع) گذاشت و خدیجه (س) دست خود را بالای دست پیامبر (ص) گذاشت و به این صورت بیعت کرد.<sup>۱</sup>

از حدیث «ما کمل من النساء الا اربعةً آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد» هم ظاهر می‌شود که آن بانوی بزرگوار به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد.<sup>۱</sup> بخش دوم: ویژگی‌های الگویی حضرت خدیجه (س) در بعد عبادی

۱. سیلاوی، الانوار الساطعه، ص ۳۳۹.

## الف: توحید در عبادت

از اوصاف و ویژگی‌های زن نمونه و شایسته، یاد بسیار و پیوسته خداوند، در زندگی است. خداوند این صفت را از نشانه‌های مؤمنان راستین برشمرده و از آنان چنین تمجید فرمود:

«إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۱</sup> مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان باایمان ... و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است

نماز و نیایش به معنای واقعی آن، اگر در زندگی فردی، خانواده، جامعه و حکومت، مخصوصاً در زندگی زناشویی، از جایگاه معتبر و خالصانه و درستی برخوردار باشد، به عنوان مراسمی تشریفاتی و یا سوداگرانه به آن نگاه نشود، هم نشانه‌ی رابطه دوستانه آن نمازگزاران با خداست و هم دلیل بر ویژگی‌های معنوی و حق طلبی و قانون مداری و بشر دوستی آنهاست و هم اثر فوق‌العاده سازنده در بینش و منش و عملکرد و زندگی و در ادامه نسل‌های آنها دارد. چرا که این برنامه شبانه روزی در فرهنگ قرآن و روایات ما، در حقیقت روح عبادت، جان پرستش، بارزترین نوع بندگی و خلوص، پرواز روح و جان شیفته‌ی حق، معراج انسان در فضای بی کران معنویت، کلید بهشت، اوج گرفتن به قرب پروردگار، مهم‌ترین سفارش پیامبر (ص) و... می‌باشد.

نمونه بارز سفارش به نماز در آیات الهی، از این قرار است: «... وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»<sup>۲</sup> «و نماز را (که بزرگ عبادت خدا است) بسته بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر است و خدا به هر چه کنید آگاه است.»

در زمانی که مردم مکه در آتش گمراهی و جهالت می‌سوختند، حضرت خدیجه (س) اولین زنی بود که با ایمان به پیامبر اکرم (ص) یکتاپرستی و بندگی خویش را به اثبات رسانید و با تاسی از همسر بزرگوار خویش در عبادت و اطاعت از دستورات خدا به اوج قله‌های کمال و معنویت دست یافت. نماز خواندن وی به همراه پیامبر اسلام (ص) و علی بن ابی طالب (ع) در کنار خانه خدا، آن هم در زمانی که در روی زمین غیر از این سه نفر احدی مسلمان نبود، معروف است.<sup>۳</sup> عبدالله بن مسعود نمونه‌ای از مشاهدات خود پیرامون ایمان خدیجه را آن زمان که هیچ کسی به پیامبر ایمان نیاورده بود، اینگونه بیان می‌کند: «نخستین

۱ ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۹، نقل از بحارالانوار، ج ۶.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموهایم و تعدادی از اعضای قبیله، وارد مکه شدیم. چون می‌خواستیم مقداری عطر بخریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود. زمانی که پیش او نشسته بودیم، دیدیم مردی که دو لباس سفید پوشیده بود و گیسوان و ریش پر و دندان‌های سفید و... داشت و چهره‌اش مثل ماه می‌درخشید، از باب صفا وارد مسجدالحرام شد. در طرف راست او یک نوجوان و پشت سرش بانویی پوشیده را دیدیم. آن‌ها کنار حجرالاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجرالاسود دست کشید، سپس آن نوجوان و بعد آن بانو. آن‌ها هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار طواف کردند، کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام تکبیر دست‌هایش را تا کنار گوشش بلند می‌کرد تا به قنوت نماز رسیدند. قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد. من که چنین چیزی ندیده بودم، از ابن عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده بودم؟ گفت: این مرد برادرزاده من، محمد بن عبدالله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی‌طالب و آن خانم هم همسر محمد، خدیجه دختر خویلد است. به خدا قسم غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد.<sup>۱</sup>

### ب: داشتن دعای خالصانه

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است به همین جهت دعا و نیایش در زندگی دوستان خدا جایگاه پرفرازی دارد آنان به دعا خو می‌گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می‌یابند با آن به اوج آرامش می‌رسند و گمشده دل ناآرام خود را در آن می‌یابند و آن را دانشگاه آزادگی‌ها و بی‌نیازی‌ها و استقلال‌ها و برازندگی‌ها و خودسازی‌ها می‌بینند. حقیقت عبادت آن است که بنده، خود را در مقام ذلت و عبودیت واداشته، رو به سوی مقام رب خود آورد. بنابراین، اعمال عبادی که با اعضا و جوارح عبد انجام می‌گیرد، مانند قیام، رکوع و سجود، همه برای مطلوبی بالاتر است و آن این که بندگی و ذلت عبودیت بنده را در برابر رب العالمین نشان دهد و عبد، فقر و مملوکیت محض خود را در برابر عزت مطلق و غنای محض مجسم سازد.<sup>۲</sup> همین اظهار عجز و ذلت است که لباس فخر و کرامت بر قامت انسان می‌پوشاند و او را تا مقام خلیفه‌اللهی بالا می‌برد. لذا به جرات می‌توان گفت ارزش انسان به میزان دعا و عبودیت او است. (قُلْ مَا يَعْْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ)<sup>۳</sup>

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۵۸۲.

۳ فرقان: ۷۷.

حضرت خدیجه (س) سرآمد زنان نیایشگر بود و دائماً به یاد خدا بودند و ذکر خدا را می‌گفتند به طوری که ایشان دو حرز مخصوص خود داشتند و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می‌کردند<sup>۱</sup> از جمله: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَعِثْنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَاصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ.» «به نام خداوند بخشنده ی بخشایشگر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم. به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه‌ی یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار، همه‌ی حال و زندگی من را سامان ببخش.»

و دومین حرز ایشان: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ يَا اللَّهُ يَا حَافِظُ يَا حَفِيفُ يَا رَقِيبُ.» «به نام خداوند بخشنده‌ی بخشایشگر! ای خدا! ای نگهبان، ای نگه‌دارنده‌ی مراقب و پاسدار.»<sup>۲</sup>

این بانو می‌دانست که زندگی که با یاد خدا باشد شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست، این خداست که به یاد بنده‌اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می‌گیرد، لذا در معنویات و کمالات به چنان اوجی رسید که خداوند متعال در معراج نبی بر ایشان سلام رسانید! رسول خدا (ص) فرمود: وقتی که در شب معراج جبرئیل من را به سوی آسمان‌ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟» «آیا حاجتی داری؟»

جبرئیل گفت: «حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ...» «حاجت من این است که سلام خدا و سلام من را به خدیجه (س) برسانی.»

پیامبر (ص) وقتی که به زمین رسید، سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه (س) رساند، خدیجه (س) گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ.» «همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می‌گردد و بر جبرئیل سلام باد.»<sup>۳</sup>

### ج. جدیت و دوام در عبادت

برخی چنین می‌پندارند که عبادت، تنها وسیله‌ای برای رسیدن به بعضی از مقامات روحانی و معنوی است و تا جایی کاربرد دارد که نیل به آن مقامات حاصل نشده، بنابراین پس از رسیدن، دیگر نیازی به بندگی و پرستش نیست و اصولاً در این مرحله تکلیف از انسان ساقط می‌گردد؛ کسی که خود را عبد خدا دانسته و

۱. تفسیرالمیزان، ج ۱۸، ص ۵۸۲.

۲. سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص ۵؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی، ص ۳۰۲؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص ۱۳۷.

۳. طوسی، امالی طوسی، ص ۱۷۵؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۲۹؛ سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن.

خود را فقیر محض و او را بر طرف کننده همه نیازهای خود بدانند، در مسیر عبادت و بندگی حق، هیچ گونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی کند، زیرا او در آفرینش، هدفی جز عبادت نمی شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد.

قرآن کریم عبادت را هدف آفرینش انسان دانسته<sup>۱</sup> و برای انسان ارزش و هویتی جدا از دعا و عبادتش قائل نیست؛ زیرا انسان آن گاه می تواند باقی به بقای حق گردد که به فقر ذاتی خود به کمال مطلق و نامحدود آگاه شده و همواره به آن اذعان نموده و از راه اظهار فقر و ناچیزی خود، با اتصال به ذات حق، کسب هویت نماید. پس اگر در مرحله ای از مراحل سیر و سلوک، عبد از بندگی و ذلت خود غافل شود و سر نیاز بر قدم بی نیاز نساید، بی تردید از هدف خلقت دور مانده و به سر منزل مقصود، ره نخواهد برد. لذا در سیره هیچ یک از بزرگان دین دیده نمی شود که پس از رسیدن به مقامات عالی روحانی، دست از وظایف ظاهری خود برداشته و تنها با اعمال قلبی، انکسار خود را در پیشگاه حق ابراز نمایند. حضرت مریم (س) پس از آن که به مقام منیع اصطفاء و تطهیر از سوی خدا نایل شد، «وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»<sup>۳</sup>، مأمور به قنوت، سجود و رکوع پروردگار گردید. «یا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»<sup>۴</sup> «اصطفاء» از ماده «صفو» به معنای برگزیدن صاف و خالص هر چیز است.<sup>۵</sup> و مراد از آن در آیات قرآن، نوعی انتخاب و اختیار و برتری دادن فرد یا افراد بر سایرین توسط خداوند است.<sup>۶</sup> و «قنوت»، گرچه در اصل به معنی طاعت است، ولی به هر گونه استقامت و پایداری در راه دین نیز گفته شده و حتی طولانی نمودن نماز را نیز قنوت خوانده اند.<sup>۷</sup> و خداوند متعال در آن هنگام که مریم (س) را الگوی همه مردم معرفی نمود، قنوت و اطاعت دایمی او از فرمانهای الهی را به عنوان یکی از ملاکهای این انتخاب مهم برشمرد: وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي... وَ كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ.<sup>۸</sup>

۱. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، ذاریات: ۵۶.

۲. قُلْ مَا يَعْْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ، فرقان: ۷۷.

۳. آل عمران: ۴۲.

۴. آل عمران، ۴۳.

۵. لسان العرب، جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور، ج ۱۴، ص ۴۶۲: «الصفوة: خیار الشیء و خلاصه و ما صفا منه.»

۶. ر. ک: المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۶۴.

۷. قنوت... و الاصل فيه الطاعة، يقال قنوت يقنوت قنوتاً ثم سمي كل استقامة في طريق الدين قنوطاً و قيل لطول القيام في الصلاة

قنوت. معجم مقائیس اللغة، ج ۵، ص ۳۱.

۸. تحریم: ۱۱ و ۱۲.

از این منظر، حضرت خدیجه (س) نیز دارای مقام اصطفاء بود و به صراحت روایات، نه تنها برگزیده در بین همه زنان عالم، بلکه برگزیده در میان تمامی انسانها اعم از زنان و مردان بود. رسول اکرم (ص) یکی از مصادیق این آیه را همسر گرامی اش خدیجه (س) معرفی نموده است. به فرموده امام علی (ع)، رسول خدا (ص) پس از تلاوت آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ...»، فرمود: «علی جان! بهترین زنان عالم، چهار زن هستند: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، و آسیه دختر مزاحم»<sup>۱</sup>.

و در روایت دیگر نقل شده که روزی پیامبر خاتم (ص) وارد خانه شد و مشاهده کرد که فاطمه زهرا (س) و عایشه در حال تفاخر هستند؛ به گونه ای که صورت هر دو سرخ شده است. حضرت با اطلاع از موضوع، رو به عایشه کرد و با استناد به آیه ۳۳ سوره آل عمران که در باره اصطفای تعدادی از پیامبران الهی است، اصطفا و برتری حضرت خدیجه (س) را نیز متذکر شده، فرمود: «يَا عَائِشَةُ أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلِيَّ الْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup> ای عایشه! آیا نمی دانستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه (علیهم السلام) را برگزید و بر همه جهانیان برتری داد!<sup>۳</sup> از این رو، آن بانوی برگزیده، به عنوان سرور زنان عالم شناخته می شود همچنان در زیارت نامه اولاد ائمه (ع) می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيَّ خَدِيجَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»<sup>۴</sup> سلام بر خدیجه سالار بانوان گیتی.

#### بخش سوم: ویژگی های الگویی حضرت خدیجه (س) در بعد خانوادگی

یکی از ابعاد مهم سبک زندگی اسلامی که سهم بسزایی در نشاط و تحرک خانواده و در نتیجه، جامعه و حرکت آن به سوی کمال و سعادت دارد، «سبک شوهرداری» بانوان است؛ همان که در لسان شریف پیامبر هنگامی که یکی از زنان مسلمان خدمت آن حضرت مشرف شد و از وجود مبارک ایشان پرسید که چرا زنان از جهاد معاف شده اند؟ پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «جهاد المرأة حُسن التبعل؛ جهاد زن، خوب شوهرداری زن است».

۱. مناقب آل ابی طالب، محمد بن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۲.

۲. بحار الانوار، مجلسی، ج ۳۷، ص ۶۳.

۳. شرح نهج البلاغه، بن ابی الحدیدج، ۱۰، ص ۲۶۶.

۴. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۷۲.

اگر جامعه‌ای بخواهد بنیان زندگی خانوادگی - که نتیجتاً مستحکم‌شدن بنیان‌های زندگی اجتماعی را در پی دارد- با شالوده‌های متین و نامزلزل بنا نماید، باید الگوی برتر برای سبک رفتار زن با شوهر در خانواده‌ها را بشناسد و پس از شناسایی، آن را به منصه ظهور برساند.

اسلام عزیز در این زمینه نمونه‌های متعددی ارائه داده است که یکی از مهمترین آنها، زندگی پیامبر مکرم اسلام (ص) با حضرت خدیجه (س) است. زندگی اولین بانوی مسلمان با پیامبر مکرم اسلام (ص) که اولین خانواده مسلمان را تشکیل داده بودند، سراسر درس و پیام برای زندگی‌ها و خانواده‌هایی بوده است که بعدها به عنوان خانواده‌های مسلمان تشکیل شدند.

زنان مسلمان اگر در سبک زندگی اسلامی آن هم در بخش مهمی از آن مانند «سبک شوهرداری»، روش‌های همسرداری را از حضرت خدیجه (س) فراگیرند و آن را به کار ببندند به یقین خواهند توانست گرم‌ترین و پرمحبت‌ترین خانواده‌ها را پایه‌ریزی نمایند و خود، الگویی برای دیگران شوند.

حضرت خدیجه (س) که خود را اولین زن تشکیل‌دهنده یک خانواده مسلمان می‌دانست با شیوه‌های مختلف «سبک شوهرداری» یک زن مسلمان را در معرض دید همگان قرار داد تا نشان دهد که می‌توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی مثل رابطه زن و مرد، یک دین و رسالت جهانی را تقویت و موجب رشد هر چه بهتر آن شد و الگویی به وسعت همه جهان و همه ازمه برای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

### الف: نگرشی ارزشی به زندگی

یکی ویژگی حضرت خدیجه (س) نسبت به پیامبر، درک ارزش‌های واقعی او در برابر فریبندگی‌های ظاهری و دنیوی بود. او معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. او در این راه هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی‌اش.

استقلال جویی و استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لابه لای رفتار و کردار شایسته‌اش پیدا می‌شود، و این از برجستگی‌ها و امتیازات بلند او بشمار می‌رود. چرا که اگر انسان از نظر فکر و اندیشه، متکبر و مستقل نباشد، نمی‌تواند در میدان عمل و تجارت و مدیریت و حساس‌ترین لحظات تصمیم‌گیری، به طور مستقل فکر کند و عمل کند.

حضرت خدیجه (س) بر اساس این ویژگی بود که دهها خواستگار دارنده زر و زیور و کاروان تجارتنی و صاحب امکانات را قبول نکرد و به همه آنها «نه!» گفت و طوری عمل کرد که همه فکر کردند او تصمیم به ازدواج ندارد، اما وقتی که او با انسانی امین و پاکدل و متفکر و شایسته کردار و روحی بزرگ یعنی محمد (ص) آشنا شد، همه آداب و رسوم جاهلی و خرافی را زیر پا گذاشت و خود پیشنهاد ازدواج به محمد داد.

و وقتی غوغایی از هیاهو و جنجال به راه افتاد که دختر ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون محمد نباید ازدواج کند، با قدرتی استوار و خلل ناپذیر، در مقابل آنها ایستاد و همه ثروت و امکانات خود را به محمد (ص) بخشید و نشان داد که حُسن انتخاب، حُسن عاقبت، سعادت، شخصیت، عظمت، شکوه و... چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها پول، کاروان تجارتنی، زر و زیور، شهرت و قدرت، مهم نیست، بلکه باید از هستی گذشت. او در روزگار خود از نظر ریشه و تبار از بهترین‌های قریش بود و از نظر ثروت و امکانات، ثروتمندان آنها بود. بسیاری از چهره‌های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می‌کوشیدند و خواستگار بی قرار او بودند اما او به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده‌نگری به خواستگاری پیامبر رفت.

خدیجه (س) این نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج، این گونه با پیامبر مطرح کرد: «یابن عم انی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک»<sup>۱</sup> ای پسر عمو، من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت‌داری، خوش‌خلقی و راستگویی‌ات به تو تمایل پیدا کردم.»

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه‌ای که عموم توده‌ها براساس ظواهر و زرق و برق‌های دنیوی روابط خود را پایه‌ریزی می‌کنند، نمی‌توانست بدون پی‌آمدهای تلخ و ناگوار باشد، لذا به فاصله‌ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب‌جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می‌گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که جوانی فقیر است ازدواج کرد. چه ننگ بزرگی!» خدیجه (س) در مقابل این جهالت‌ها ساکت نشست و آنها را به صرف نهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت: «ای زنان! شنیده‌ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با محمد (ص) خرده گرفته‌اید و عیب‌جویی می‌کنید، من از خود شما می‌پرسم آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضائل و اخلاق نیک، مانند او سراغ دارید؟

<sup>۱</sup> سیره نبوی، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۱؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۲۱.



من به خاطر این ویژگی‌ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده‌ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت‌های ناروا به دیگران دهید.»

زنان قریش بعد از این سخنان خدیجه، همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند.<sup>۱</sup> این شیوه استدلال خدیجه هر چند عمق ارزش‌گرایی در انتخاب‌ها را نشان می‌داد، برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نمی‌نمود، لذا زنان لجوج قریش به حالت قهر با او رفتار می‌کردند. آن‌ها دیگر به خدیجه سلام نمی‌کردند و نزد او نمی‌رفتند حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا(س) متولد شد، نیز این شیوه رفتاری همچنان پا برجا بود. لذا حتی هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشته و پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت و با یتیم ابوطالب ازدواج کردی، ما هرگز نزد تو نمی‌آییم و در هیچ کاری کمک نمی‌کنیم!!» این حجم از کینه‌ورزی‌ها دل خدیجه را آزرده تا آن جا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم، صفورا دختر شعیب پیامبر) را به یاری او فرستاد و به این‌سان خدیجه پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا(س) را نیز به دنیا آورد.<sup>۲</sup>

#### ب: رعایت حریم و عفاف در گفت و گو با نامحرم

در روا بودن اصل گفت و گو و سخن گفتن زنان با مردان بیگانه در فرهنگ الگویی تردیدی وجود ندارد؛ دلیل آن نیز صحبت و گفت و گوی دختران شعیب با موسی(ع) است. اما از همین سخن گفتن آنان می‌توان برداشت کرد که حیا و نجابت زنان اقتضا می‌کند که در هنگام صحبت کردن با مردان، نخست این که، به مقدار لزوم بسنده کرده و بحث را به سخنان بی‌مورد و بی‌جا نکشانند و دوم این که، لحن سخن گفتن خود را به گونه ای قرار دهند که از ایجاد هر گونه تحریک، تطمیع و وسوسه در مخاطب جلوگیری شود. زیرا عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می‌کند. و تمام حرکات و سکنات و گفتار و قلم انسان را کنترل می‌کند تا آنچه را که دلش می‌خواهد نکند و هرچه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد. لذا در کل حیا برای هر انسانی نیکو است، اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده‌تر است. بررسی خصوصیت‌های زنان نمونه در قرآن نشان می‌دهد که پاک دامنی و نجابت از مهم‌ترین خصایص آنان به شمار می‌رود و سیمای آنان گویای این حقیقت است که آنان در رویارویی با مردم و به ویژه مردان بیگانه، از شرم و حیای خاصی برخوردار بوده‌اند. این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه(س) نیز بسیار بارز و نمونه بود. از برجسته‌ترین لقب‌های حضرت خدیجه(س) که به جهت

<sup>۱</sup> بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۱؛ ج ۱۰۳، ص ۳۷۴.

<sup>۲</sup> بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۰.

نجابت، پاک منشی و پاک دامنی اش در عنفوان جوانی از سوی قریش به او داده شد، صفت «طاهره» است؛<sup>۱</sup> صفت زبینه ای که در سراسر زندگی پر برکت آن بانو علی رغم وجود ثروت و امکانات گسترده مالی و تشکیلات منظم تجاری و اقتصادی، جلوه ای کامل دارد. آن بانو در زندگی شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند، حتی در جلسه خواستگاریشان، به نقل تاریخ از پشت پرده صحبت می کردند مگر جایی که با پیامبر (ص) صحبت های آخر را کردند.<sup>۲</sup> او قبل از ازدواج با رسول خدا (ص) چنان در اوج نجابت و طهارت بود که ابوطالب (ع) بزرگ قریش و سالار بنی هاشم، این گونه او را می ستاید: «إِنَّ خَدِيجَةَ أَمْرَأَةً كَامِلَةٌ مَيْمُونَةٌ فَاضِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذِرُ الشَّنَارَ»<sup>۳</sup> راستی که خدیجه بانویی است کامل و مبارک و صاحب فضل که از هر گونه عیب و عار پرهیز می کند و از هر نوع بدنامی و رسوایی دوری می گزیند.»

از نمونه های دیگر عفت و حیا، مخصوصاً در شب هایی که پیامبر (ص) به امر الهی چهل شب را دور از همسر خود بودند، این بود که این بانو سرخود را در هنگام شب می پوشاندند و پرده در را می انداختند و در خانه را می بستند.<sup>۴</sup> این ها همه نشانه های عفت و حیاست، آن هم در زمان های جاهلیت که چنین رفتارهایی را نمی توان در شخصی سراغ گرفت.

### ج: احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده

ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر، یکی از اهداف مهم ازدواج برشمرده شده است. وجود صفا، یک رنگی و صمیمیت در خانواده، علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی ترین هدف بوده و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر، عمل می کنند، در این میان با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان، نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشم گیرتر است. زن می تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست کم، سنگ صبور ناراحتی ها و آلام او باشد.<sup>۵</sup> هم چنان که می تواند در تضعیف روحیه همسرش نقش مؤثری داشته باشد و حداقل او را از خود

۱. تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله بن محمد حسن مامقانی، ج ۳، ص ۷۷.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۶، ص ۶۹؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۴.

۳. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۵۶.

۴. علی بن یوسف حلی، العدد القویة، ص ۲۱۹؛ سیلاوی، همان، ص ۱۲۷.

۵. در روایت است که مردی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و گفت: همسری دارم که هنگام ورود به خانه به استقبال می آید و چون از خانه خارج می شوم مرا مشایعت می کند و هر گاه مرا غمگین ببیند به من می گوید: چه چیز تو را ناراحت کرده است؟ اگر به خاطر روزی اندوهناکی، آن را دیگری متکفل است و اگر نگران آخرت هستی خداوند هم و غم تو را زیادتیر گرداند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند کارگزارانی دارد و او از کارگزاران خداست. برای او، نصف اجر یک شهید است. وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۲۱.

رنجانده و آزرده خاطر ساخته و موجبات تزلزل نظام خانواده را فراهم کند. زندگی خدیجه (س) در آن شرایط سخت، هر روز زیباتر و با لطافت تر می‌شد، چرا که فضای زندگی‌اش لبریز از عشق و خرد و خداپرستی و انسان دوستی و شایستگی و درایت بود.

او به همتای زندگی‌اش مهر و عشقی آسمانی داشت و او را در اندیشه و کارها با تمام وجود یاری می‌کرد و در ابعاد مختلف زندگی، از نظر فرهنگی و اخلاقی و منش فردی و اجتماعی با او صحبت می‌کرد و در همه کارها با او دوستانه و قهرمانانه بود.

این ویژگی در خدیجه (س) بسیار بارز بود، چرا که او از اندیشه و منش بالا و موقعیت شکوه بار همسر خود در بارگاه خدا، و آینده درخشان او آگاه بود. به خاطر همین مانند یک زن نواندیش و با ادب، بلکه بهتر و بیشتر از آن، به همسرش احترام می‌گذاشت و در برابر او سراپا گوش و هوش و عشق و حق شناسی بود و تلاش می‌کرد آن طور که باید و شاید قدرشناس باشد.

در این زندگی حق شناسی و مهر و علاقه دوطرفه و متقابل بود، هم خدیجه (س)، محمد را خردمندترین، تواناترین، گرامی‌ترین، عزیزترین، امانتدارترین، پاک‌ترین، پروا پیشه‌ترین با معنویت‌ترین و آراسته‌ترین انسان‌ها می‌دید و در مقابل محمد (ص) نیز، به خدیجه (س) عشق می‌ورزید و احترام می‌گذاشت، احترامی که شایسته و بایسته و وصف ناپذیر بود.

خدیجه به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی‌داد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر می‌خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می‌دهد: «الی بیتک فبیتی بیتک و انا جاریتک»<sup>۱</sup> به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.» و البته این همه احترام و پاسداشت به خاطر عقیده و ایمان او به توحید بود و بس.<sup>۲</sup>

اشعاری که منسوب به آن حضرت است این حقیقت را روشن می‌کند که چگونه یک زن مسلمان، همسر خویش را خطاب می‌کند: «فلو أننی امشیت فی کل نعمه و دامت لی الدنیا و ملک الأكاسره/ فما سویت عندی جناح بعوضه- اذا لم یکن عینی لعینک ناظره» یعنی اگر تمام نعمت‌های دنیا و سلطنت‌های پادشاهان را

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۴.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۷۰؛ وفات الزهرا، مقرر، ص ۷.

داشته باشم و ملک آنها همیشه از آن من باشد، به نظر من به اندازه بال پشه‌ای ارزش ندارد زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.»

حضرت خدیجه (ص) هرگز از رنج‌ها و گرفتاری‌های راه رسالت، شکایتی نکرد و موجب تضعیف روحیه همسرش نشد و این همراهی و همدلی، از کمک‌های مالی خدیجه (س) نیز بالاتر بود.

حضرت رسول اکرم (ص) هنگامی که رسالت خود را آغاز کردند با دشمنی سرسختانه دشمنان اسلام مواجه گردیدند. حضرت خدیجه (س) یار غمخوار پیامبر (ص) پیش از بعثت بود و پس از آن هم با تمام وجود حامی افکار و اندیشه‌های توحیدی ایشان محسوب می‌شد و به دلیل موقعیت مقبول و ممتازی که داشت پناهگاهی برای محمد (ص) به حساب می‌آمد.

علامه سید شرف الدین در این مورد می‌نویسد: «او مدت ۲۵ سال با پیامبر (ص) زندگی کرد بدون آن که زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می‌ماند، پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی‌کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی شریک درد و رنج پیامبر بود، زیرا با مال خود به او نیرو می‌بخشید و با گفتار و کردار از او دفاع می‌نمود و به او در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می‌کردند تسلی می‌داد. او به همراه امیر المؤمنین علی (ع) هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر، در غار حرا بود. به طوری که نوشته اند: «کانت خدیجه زبیرة صدق علی الاسلام و کان رسول الله یسکن الیها؛ خدیجه (س) وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا (ص) با [مهر و ملاحظت] او آرامش خاطر می‌یافت.»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (ص) قبل از بعثت، هر ماه چند روز و هر سال ماه رمضان را برای عبادت و نیایش عارفانه به غار حرا می‌رفت و حضرت خدیجه (س) نه فقط مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمی‌شد، که خود نیز مشوق آن حضرت بود و هر بامداد و شامگاه او را بدرقه می‌کرد و در هنگام بازگشت به پیشوازش می‌رفت. گاه برایش آب و غذا می‌برد و مواظب بود تا خلوت عاشقانه همسرش را به هم نزند و گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا به مراقبت از جان گرامی پیامبر (ص) می‌گماشت و خود به انتظار بازگشتن محبوبش به سر می‌برد.<sup>۲</sup> لذا امام هادی علیه السلام می‌فرمود: «پیامبر اسلام پس از سفر تجاری شام، درآمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می‌رفت و به تماشای شگفتی‌های خلقت مشغول می‌شد و تحت تاثیر عظمت خدا قرار می‌گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می‌کرد.»<sup>۳</sup> همراهی و همدلی خدیجه و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت‌هایش به پیامبر (ص) گفت: «من در حق شما کوتاهی کردم، مرا عفو

۱. کشف الغمّة، علی بن عیسی اربلی، تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۵۱۱.

۲. ر. ک: الغدیر فی الکتاب و السنه، علامه امینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ق، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹

کن»، پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی.»<sup>۱</sup>

و به خاطر همین جهات، رسول اکرم (ص) نیز همواره در حیات و ممات خدیجه (س) به او عشق می ورزید؛ چنان که روایت شده: «كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَبِهَا وَامِقًا»<sup>۲</sup> پیامبر (ص) نسبت به خدیجه (س) محب و عاشق بود.»

### د: رعایت ادب در طول زندگی

اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری‌های خانواده‌ها توجه شود، بخش قابل توجهی از این مشکلات به رفتارهای زنان و دختران جوان برمی‌گردد و این همه، به خاطر ناآگاهی و عدم توجه به حقوق شوهران، رعایت نکردن آداب معاشرت، عدم آگاهی از اصول شوهرداری در اسلام است. بدون شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد اما اگر این خواسته‌ها به صورت غیرمستقیم و با رعایت ادب انجام گیرد، در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت تأثیری فوق‌العاده خواهد داشت.

با بررسی زندگانی حضرت خدیجه می‌بینیم که آن بزرگوار این اصل را به خوبی رعایت می‌نموده است. اگر چه حضرت خدیجه (س) خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم (ص) انجام داده و صدمات فراوانی متحمل شده بود، از این رو به صورت طبیعی می‌توانست انتظارات و توقعاتی را نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ‌گاه خواسته‌های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی‌کرد بلکه سعی می‌کرد آن‌ها را به عنوان یک پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح می‌نماید.

از بارزترین نمونه‌های ادب و احترام خدیجه (س) را می‌توانیم در لحظات آخر زندگی‌شان پیدا کنیم. او در آن لحظه نه خود را از خدا طلبکار می‌دانست و نه از پیامبر (ص)، حضرت خدیجه در آستانه وفات خویش هنگامی که وصیت‌های خود را بیان می‌کرد، آن‌ها را در قالب یک گفت و گوی صمیمانه و محبت آمیز مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم عرض کرد: یا رسول الله! چند وصیت دارم، البته که من در حق تو کوتاهی کردم، مرا عفو کن. پیامبر (ص) فرمود: هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم. تو نهایت درجه تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی. پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت ولی احساس شرم و حیا به او اجازه مطرح کردن آن را نمی‌داد، به خاطر همین پیامبر (ص)، خدیجه (س) و دخترش فاطمه (س) را تنها گذاشت و بیرون آمد، او به دخترش گفت: «يَا حَبِيبِي وَ يَا قُرَّةَ عَيْنِي! قَوْلِي لِابْنِكِ انَّ اُنِّي تَقُولُ اَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ اُرِيدُ مِنْكَ رَدَائِكَ

۱ شجره طوبی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

الذی تلبسُهُ حین نُزُولِ الوَحْيِ تَكْفُنُنِي فِيهِ»؛ «هان ای محبوب مادر، نور چشمم، به پدر گران قدرت بگو، مادرم می گوید من از خانه قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می ترسم، از شما تقاضا دارم یکی از جامه های خود را که به هنگام فرود فرشته وحی و دریافت پیام خدا و راز و نیازهای شبانه می پوشیدید، به من هدیه کنید تا پس از مرگ، بدنم را با آن کفن کنم. همچنین از پیامبر (ص) خواست که دعایش را بدرقه راه او کند، از درگاه الهی برایش آمرزش بطلبد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود پیامبر (ص) در قبر او وارد و با نماز و دعایش آنجا را پر از برکت کند.»<sup>۱</sup>

فاطمه (س) به نزد پدر آمده و پیام مادرش را رساند. پیامبر آن لباس را برای خدیجه فرستاد. هنگامی که فاطمه (س) آن را آورد، نشاط زیادی وجود خدیجه را فرا گرفت. آن گاه حضرت خدیجه با دلی آرام چشم از جهان فرو بست. پیامبر اکرم مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شد، هنگامی که خواست خدیجه را کفن کند، حضرت جبرائیل امین نازل شد و گفت: یا رسول الله! خداوند سلام می رساند و می فرماید: کفن خدیجه به عهده ماست و آن یک کفن بهشتی خواهد بود. پیامبر اکرم اول با پیراهن خود و از روی آن با کفن بهشتی خدیجه را کفن کرد.

#### هـ پرهیز از دنیا طلبی و تجمل گرایی

برخوردار بودن دلیل بر اسراف و بی بند و باری و خرج کردن نیست. حضرت خدیجه (س) به لحاظ اقتصادی بسیار متمول و برخوردار بودند اما وقتی وارد زندگی شخصی ایشان می شویم می بینیم که زندگی بسیار ساده ای داشتند. داشتن ثروت از نگاه اسلام هیچ منعی ندارد اما چقدر ما مجازیم که چنین ثروتی را خرج تجملات کنیم، نکته مهمی که می توان از سیره حضرت خدیجه (س) حدود آن را دریافت. تولید ثروت برای اداره جامعه اسلامی بسیار ضروری است. این تولید ثروت توسط افراد صورت می گیرد اما سیره حضرت خدیجه (س) به ما نشان می دهد که موضوع اقتصاد و کسب درآمدهای شرعی و طاهر نه تنها موضوعی فردی نیست بلکه بسیار اجتماعی است و باید به اقتضات جامعه اسلامی توجه کرد. برای همین هم حضرت آقا بارها اشاره فرمودند که خانم ها می توانند در اقتصاد مقاومتی نقش مهمی داشته باشند. تأکید قرآن بر تقبیح ثروت اندوزی، این است که این ثروت باید در شکوفایی اقتصاد جامعه به کار گرفته شود و حضرت خدیجه (س) دقیقاً همین مبنا را که مبنای الهی و بر اساس آموزه های دین ابراهیمی است عمل می کند و با رجوع به اقتصاد با رعایت ضوابط و دقت در امور تجاری، منافع شخصی را در نظر نمی گیرد بلکه این فعالیت ها در خدمت شکوفایی اقتصادی جامعه به کار گرفته می شود.

۱. سیلاوی، همان، ص ۳۷۵؛ ذبیح الله محلاتی، همان، ج ۲، ص ۲۰۳.

حضرت خدیجه (س) پیش از ازدواج با پیامبر (ص) خانه‌ای باشکوه و مجلل داشت. او پس از ازدواج، تمام این جلال و شکوه را به پای همسرش ریخت و آن خانه که پیش از طلوع اسلام پناه‌گاه مستمندان بود، پس از اسلام پایگاه مؤمنان شد. پیامبر (ص) و خدیجه (س) با رفتار خود در دوری از تجمل‌گرایی و با عمل به ساده‌زیستی، الگوی پیروان و مسلمانان شدند.

اما در قرآن کریم با اشاره به داستان زنان دیگر پیامبر (ص) و گرایش‌های مادی آنان، آن‌ها را مخیر ساخت که دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا و رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با پرهیز از رفاه زدگی و دنیاطلبی به زندگی ساده خود با رسول خدا (ص) ادامه دهند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكِ أَنْ كُنْتَنَ تَرِدُنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زَيَّنَّهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعُكُنَّ وَ أُسَرِّحُكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَ إِنْ كُنْتَنَ تَرِدُنَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا.<sup>۱</sup>

#### بخش چهارم: ویژگی الگویی حضرت خدیجه (س) در بعد فعالیت‌های اجتماعی

حضور زنان برگزیده الهی در متن جامعه و مشارکت با مردان در مقاطع بسیار حساس اجتماعی، از ویژگی‌های الگویی آنان می‌باشد. حضرت خدیجه (س) نیز از این ویژگی برخوردار بود چنانچه مشارکت اجتماعی در برنامه‌های دینی و ارشاد و هدایت مردم به سوی خدا و پیامبر اکرم (ص)، یکی از اقدامات مهم حضرت خدیجه (س) در اجتماع آن عصر بود. ایشان در مدتی که همسر پیامبر (ص) بودند، با عمل و زبان؛ مردم را به سوی خدا و حقیقت راهنمایی می‌کردند. حضرت خدیجه (س) همسر پیامبر (ص)، به همراه رسول اکرم و حضرت علی (ع) به مدت سه سال در تبلیغ عملی حضور داشت که با این کار جمعیت مسلمین افزایش یافت و زمینه برای دعوت علنی آماده شد. علاوه بر تبلیغ عملی، خدیجه (س) در مواردی هم در بین و بعضی از افراد به تبلیغ زبانی می‌پرداختند و به معرفی پیامبر (ص) و کمالات وی اقدام می‌کردند.

با مطالعه تاریخ اسلام، آن بخش از زندگی حضرت خدیجه بسیار برجسته می‌نماید که ایشان نه به عنوان همسر، بلکه به عنوان یک مسلمان، رهبر و سکان‌دار جامعه اسلامی آن روز را در پیشبرد اهداف رسالتش یاری می‌نماید و از همه توان خود در این راستا هزینه می‌کند. به عنوان نمونه، پیامبر (ص) در ایام حج، بالای کوه صفا رفته و با صدای بلند ندا دادند که: ای مردم! من فرستاده پروردگارم. آن‌گاه به کوه مروه رفتند و سه بار سخن پیشین را تکرار کردند. عرب‌های متعصب هر یک سنگی برداشته و در پی حضرت روانه شدند.

<sup>۱</sup> احزاب: ۲۸ و ۲۹

ابوجهل ملعون سنگی پرتاب کرد که به پیشانی پیامبر اصابت کرد؛ خون از پیشانی مبارکشان جاری شد. پیامبر به کوه ابوقیس رفتند؛ مشرکان نیز در پی ایشان روانه شدند. حضرت علی (ع) خود را به حضرت خدیجه رساندند و موضوع را با ایشان مطرح فرمودند. اشک بر گونه‌های خدیجه جاری شد. ظرفی از غذا برداشت و با علی برای یافتن پیامبر راهی کوه‌ها و دشت‌ها شد. جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: از گریه خدیجه ملائک به گریه آمدند. او را بخواه، سلام برسان، بگو خدا به تو سلام می‌رساند و او را به خانه‌ای بهشتی که از نور مزین شده، بشارت بده. خدیجه و علی، پیامبر را یافتند و به خانه آوردند. مردم به خانه خدیجه حمله‌ور شده، خانه را سنگباران کردند. خدیجه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگباران کردن خانه زنی که نجیب‌ترین قوم شماست، شرم ندارید؟

مردم با شنیدن سخنانش پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. پیامبر اسلام، سلام خدا را به وی رساندند.

حضرت خدیجه (س) نه تنها از همه شوون و اعتبار اجتماعی خود برای دفاع از نبی مکرم اسلام مایه گذاشت، که در مواقع خطرناک و در صحنه‌های دشوار حاضر می‌شد و به دفاع از حریم نبوی می‌پرداخت. ایشان اگر چه در طول بیست و پنج سال زندگی خود با رسول خدا، از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرد و همواره همراه و هم‌سنگر پیغمبر بود، اما سه سال محاصره شدید اجتماعی و اقتصادی مسلمانان، اوج فداکاری جناب خدیجه کبری به حساب می‌آید. او در سال‌های که مشرکان مکه بر تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی‌هاشم، هم‌پیمان شدند و آنان را در شعب ابی‌طالب محصور کردند و از هرگونه ارتباط آن‌ها با قبایل دیگر ممانعت می‌ورزیدند، حضرت خدیجه با فرستادن نمایندگان از طرف خود، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت تا مانع ورود مواد غذایی به شعب ابوطالب نشود. وقتی از کار خویش نتیجه نگرفت، با کمک برادرزاده‌اش، حکیم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه کرد.<sup>۱</sup> در این شرایط سخت و طاقت‌فرسا، شخصیتی چون خدیجه کبری که در زمره ثروتمندان قریش است، به رغم دارایی‌های فراوان خود، برای حفظ ایمان و اعتقاد و انجام وظیفه، همه ثروتش را به پای پیامبر اکرم و در راه صیانت از شریعت خاتم ریخت و به آنجا رسید که «نقل می‌کنند: رسول خدا و همسر بزرگ و عزیزش مشک را می‌گذاشتند توی آب و می‌مکیدند برای اینکه از آن چربی، مثلاً از آن چیزی که در مشک هست به آنها برسد.»<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم به کرات از فداکاری حضرت خدیجه یاد می‌فرمودند و بارها بر این حقیقت که ایشان در راه اسلام چشمش را بر روی ثروت و سرمایه خویش پوشید، تأکید کردند.

<sup>۱</sup>. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۲.

<sup>۲</sup>. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۷۴.



یاری و کمک خدیجه کبری در ادای قرض بدهکاران، آزادی بردگان، کمک به درماندگان، و فراهم نمودن امکانات ضروری زندگی برای مهاجران همه نشان از داشتن فعالیت‌های اجتماعی ان یزرگوار است.<sup>۱</sup>

### بخش پنجم: ویژگی‌های الگویی حضرت خدیجه (س) در بعد اقتصادی و کارآفرینی

اگر پژوهشگری به زندگی درخشان بانوی بزرگ تاریخ اسلام و عرب، خدیجه (س) و موفقیت و شکوه او در ابعاد گوناگون زندگی بنگرد، و راز استقلال و آزادی او را بجوید، همین دانش و هنر برنامه‌ریزی، یگانه‌سازی نیروها، دمیدن روح انگیزش در کارکنان و قدرت کنترل کارها و اصلاح امور و دیگر هنرها و مهارت‌های مدیریت را در زیباترین چهره‌اش در منش و روش مترقی و با معنویت و زیبای او خواهد یافت. مدیریت او افزون بر اصول و ارکان مدیریت ظاهری و علمی و تجربی، مدیریتی انسانی و آزادمنشانه و عادلانه و مدیریت بر قلب‌ها بود.

### الف: بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات

اسناد روایی و تفسیری و تاریخی بیانگر این حقیقت است که او بانویی اندیشمند و صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده‌ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان‌پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی نهاد. لذا پیام‌بر درباره نقش فداکاری و ایثار او در پیشرفت معنویت و اخلاق فرمود: «ما قامَ وَ لَأَسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ».<sup>۲</sup>

اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهامت و فداکاری علی (ع)، و دیگر جهاد و فداکاری اقتصادی خدیجه (س) بر این اساس است که اندیشمندان در این مورد می‌نویسند:

«كفاهها شرفاً فوقَ شرفِ أنَّ الإسلامَ لم يقمُ إلا بمالها وَ سيفِ عليِّ بنِ أبي طالبٍ كما روى متواتراً»<sup>۳</sup>  
برای آن بانوی فرزانه، این شرافت و شکوه - که برترین افتخار و شکوه است - بس می‌باشد که راه و رسم عادلانه و بشردوستانه اسلام و ایمان در برابر شرک و استبداد و تاریک‌اندیشی و تعصب کور، جز در پرتو

۱. ر. ک: رازی، ابوالفتح، روض الجنان، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۲. فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ۲۵.

۳. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷.

جاذبه پیامبر و منش او، جهاد خالصانه‌ی امیرمؤمنان و ثروت بسیار خدیجه و جهاد مالی او قامت برنیفراشت و گسترش نیافت.

و حضرت رسول (ص) نیز در قدرشناسی از بخشندگی هدفمند و فداکاری هدفدار و جهاد اقتصادی بانوی خردمند حجاز در راه پیشرفت اندیشه آزادی‌بخش و انسان‌پرور دین خدا فرمود: «ما نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَالِ خَدِيجَةَ»<sup>۱</sup> هیچ ثروت و امکاناتی در زندگی اجتماعی و تربیتی‌ام به هدف‌های والای من بسان ثروت و امکانات «خدیجه» سودبخش و سودرسان نبود.

در جریان محاصره چند ساله پیامبر به همراه یاران در دره ابوطالب، یکی از عوامل پایداری پیامبر و مردم آزادیخواه و به شکست کشاندن تلاش واپسگرایانه محافظه‌کاران و جریان‌های خمود و خشونت‌گرا، بخشندگی و بزرگ‌منشی ابوطالب و بلندنظری و جهاد اقتصادی خدیجه بود، «وَ أَتَّفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالِهِمَا»<sup>۲</sup>.

### ب: مدیریت اقتصادی

او در مدیریت اقتصادی خویش، همکاران و عوامل اجرایی را، از میان انسان‌های سالم و امانتدار و درستکار و آزمون شده و ریشه‌دار به همکاری دعوت می‌کرد و خود از دفتر کارش، این کاروان عظیم تجارتنی را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره‌گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت می‌آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می‌بخشید.

داستان پیشنهاد ابوطالب به او برای گزینش محمد (ص) به کار در کاروان تجارتی‌اش، و استقبال آن حضرت از آن پیشنهاد در روایات آمده است.

### ج: اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی

او در آن روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می‌جست، که پیامبر در مقام حق‌شناسی از بخشش و بزرگ‌منشی او در این راه چنین فرمود: «ما رأيتُ مِنْ صَاحِبَةٍ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيجَةَ، مَا كُنَّا نَرْجِعُ أَنَا وَ صَاحِبِي إِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تُخْفَةً مِنْ طَعَامِ تَخْبَأُ كُنَّا»<sup>۳</sup>

۱. بحار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲. بحار، ج ۱۹، ص ۱۶.

۳. بحار، ج ۱۶، ص ۱۰.

من مدیر و کارفرمایی پر مهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش را ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، می دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره او برای ما آماده شده بود، آن را به ما هدیه می نمود و با کارگزاران و زیردستان بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد.<sup>۱</sup>

#### د: اصل نظارت و کنترل در مدیریت

برابر اسناد تاریخی و روایی موجود، او در مدیریت موفق و مترقی خویش از اصل نظارت و کنترل در مورد برنامه ها و مدیران و کارکنان خویش بهره می جست. هم توجه جدی به رهاورد کار داشت، و هم به صورت دقیق و پی گیر کارهای انجام شده را مقایسه می نمود و هم در صورت لزوم، اصلاحات لازم را اعمال می کرد تا از اشتباه و انحرافی که در پروژه ها و برنامه ها و هدفها پیش می آمد، جلوگیری کند. داستان گماشتن «میسره» یا ناظر و بازرس ویژه اش به نظارت بر منش و رفتار محمد و دستور تهیه گزارش دقیق کتبی و نه شفاهی، برای او، در اسناد تاریخی آمده است، که در درایت و مدیریت او، آن هم در آن زمان، جالب و آموختنی است.

#### ه: شناخت زمان و مکان و شرایط بازار در پرتو آگاهی و مشاوره

او در برنامه ریزی از مشاوران کاردانی بهره می جست و چنان بود که انتخاب وقت و فرصت، نوع کالا و مقدار آن، حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان، به گونه ای تنظیم و تدبیر می کرد که شگفتی همگان را برمی انگیخت و کاروان بزرگ تجارتهی اش همواره در راه بود، و از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی جهان عرب می رفت، و سودی سرشار و عادلانه با خود می آورد.

اگر به شرایط آن روز جهان و نیز دنیای عرب و قلمرو حجاز در آن روزگاران آشنا باشیم، و نیز اگر اسارت و محرومیت کامل «زن» از حقوق انسانی و اجتماعی اش را به یاد داشته باشیم، و اگر زنده به گور شدن دختران را به خاطر بیاوریم، آن گاه اداره ی چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله ی یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توانمند و تدابیر ظریف و دقیق اقتصادی و اجتماعی او، ما را به شخصیت برجسته و ابتکار در کارها و روح مدیریت و سازنده ی او رهنمون می شود و درمی یابیم که به راستی او در آن روزگاران، خردمندترین و مدبّرترین و کارآمدترین بانوی جهان خویش بود.

<sup>۱</sup> بحار، ج ۴۳، ص ۷۶.

دانشمند و روشنفکر عرب، دکتر محمد عبده یمانی، وزیر فرهنگ پیشین سعودی و برادر «زکی یمانی» وزیر نفت سابق آن کشور در کتاب خویش<sup>۱</sup> در وصف ایمان و اخلاص و شهامت و عظمت روحی و درایت و مدیریت و فداکاری خدیجه از جمله چنین می نویسد: خدیجه، این بانوی آگاه و پاک سرشت که حق گرای، فضیلت طلبی، نواندیشی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی هایش بود، از همان روزگار جوانی، یکی از دختران نامدار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت.

او در جهان عرب نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته های تاریخ نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی و یک مدیر توانمند و کارآفرین با درایت و معنویت آمده است.

و نیز می نویسد: این بانوی بزرگ، نه تنها انسانی پیشتاز و رشدیافته و آراسته به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود، که فرشته ای پُرشکوه را در سیمای انسان می نمود.

او از شهامت و عظمت روحی و فکری وصف ناپذیری بهر مند بود. آیا در مورد هم اندیشی، همگرایی، همگامی و همراهی اندیشمندان و دلیرانه او با پیامبر آزادی و عدالت، آن هم در آن شرایط تیره و تاریک روزگار پیش از بعثت اندیشیده اید؟ راستی چگونه این بانوی فداکار و آزادمش پیش از بعثت محمد (ص) و پیش از آشکار شدن شکوه و عظمت آن حضرت و آینده درخشانش، گویی بسان او می اندیشید و از استبداد و انحطاط و کجروی و نادانی جامعه و دنیای خویش رنج می برد و راهی تازه و جامعه و جهانی نو و شرایطی آزاد و آباد و مردمی آگاه و عدالت جو و بامعنویت می جست؟

او در راه همگامی و همراهی با پیامبر، خطرهای حکیمانه می نمود و فداکاری هایی شجاعانه می کرد؛ برای نمونه او با آن ثروت و اعتبار، خود از خانه ی خویش - که نزدیک «مسجد الحرام» بود - راه می افتاد و با پیمودن مسافت زیادی تا کوه «حِرا» می رفت و با بالا رفتن از دامنه کوه، به پیامبر آب و غذا می برد و او را در راه اوج و عرفان و نیایش و معنویت و به دوش کشیدن بار گران رسالت و به اهتزاز در آوردن پرچم نجات و رستگاری بشریت یاری و همراهی می کرد؟<sup>۲</sup>

۱. او در مورد خاندان پیامبر کتاب هایی نوشته است، که از جمله: حقوق اهل بیت؛ خدیجه علیها السلام همسر پیامبر، و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر، ترجمه ی سه عنوان از سه کتاب اوست.

۲. نقل به مضمون از سفرنامه ی استاد سبحانی، سیمای فرزندگان: ص ۳۶۲.

و نیز در کتاب دیگرش در بیان نقش تاریخ‌ساز و مترقی خدیجه (س)، او را مام گرانمایه توحیدگرایان و کمال‌جویان، همسر و همتای لایق پیامبر محبوب و شریک دغدغه‌ها و هدف‌های او، و مادر دعوت نجات‌بخش اسلام عنوان می‌دهد.<sup>۱</sup>

علامه قزوینی در این مورد می‌نویسد: مام گرانمایه فاطمه (س)، بانوی نوگرا و ارجمندی است به نام خدیجه (س)؛ بانویی سپید چهره، بلند قامت و زیبا که در میان جامعه و مردم، سخت پر شرافت بود، و در کارها بسیار خردمند. از هوش و درایت، بهره‌ای بزرگ داشت و در شئون زندگی از بینشی ژرف برخوردار بود. در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به خود می‌زیست و به برکت مغز هوشمند خود، چرخ‌های اقتصادی و تجاری گسترده‌ی خود را به حرکت آورده و به مقررات و مدیریت اقتصادی و کارآفرینی آگاه و کوشا بود.

اینها از صفات شایسته و ویژگی‌های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان است. اما صفات برجسته‌ی او به عنوان یک همسر و برای زندگی مشترک، او بانویی بود که ثروت هنگفت خود را به شوی گرانقدرش بخشید تا در راهی که می‌پسندد به کار گیرد. بی‌هیچ تردیدی سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه‌ی جدید نقش اساسی داشت؛ چراکه اسلام در حال شکل گرفتن، نیاز به امکانات اقتصادی داشت، و خدا بر اثر درست‌اندیشی و اخلاص خدیجه علیها السلام، این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا ساخت، و با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر و نواندیشان همراه او در آن مرحله‌ی حساس، هدف پیامبر که برپایی پایه‌های عدالت و آزادی بود استوار شد. به همین جهت پیامبر فرمود: هیچ ثروتی، بسان ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سودبخش نیفتاد. «مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلُ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ».<sup>۲</sup>

در آستانه ازدواج پیامبر با خدیجه، وقتی ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه، سخن از فقر پیامبر به میان آورد، خدیجه گفت: «اِذَا كَانَ مَالَهُ قَلِيلًا فَمَالِي كَثِيرًا» اگر مال او اندک است، مال من بسیار است. و شعری خواند که مصرع دومش این است: «فَمَا الْمَالُ إِلَّا مِثْلُ قَلَمِ الْأَظْفَارِ» ثروت در برابر او جزمانند گرفتن ناخن‌ها نیست. یعنی ثروتم را از خودم جدا کرده همه را در اختیار او قرار می‌دهم.

پیامبر با بهره‌گیری از ثروت خدیجه (س)، ضمن پرداخت وام و امداران، بردگان را آزاد و به درماندگان کمک می‌کرد. بار را از دوش آنان برمی‌داشت، و در رخدادهای ناگوار زندگی از آن مال پر سعادت به هر اندازه

۱. فاطمه الزهراء علیها السلام، ص ۱۱۴.

۲. کرمی فریدنی، سیما و سیره ی ریحانه ی پیامبر، ص ۸۶.

لازم بود، هزینه می‌کرد و زیر بال محرومان را می‌گرفت. او هنگامی که در مکه بود به یاران آزادیخواه، اما تهیدست و زیر فشار، کمک می‌کرد و امکانات هجرت مهاجران را فراهم می‌نمود. او در حیات درخشان آن یار فداکار آنچه صلاح می‌دانست از دارایی‌اش هزینه می‌کرد و پس از رحلت او نیز آن را خود و فرزندانش به ارث بردند.<sup>۱</sup>

علاوه بر آن حتی هنگامی که پیامبر (پانزده سال قبل از بعثت) با خدیجه ازدواج کرد حلیمه سعیدیه، مادر رضاعی پیامبر روزی به مکه آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد، پیامبر این موضوع را با خدیجه در میان گذاشت و خدیجه چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشید، او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت، پس از طلوع اسلام حلیمه به همراه شوهرش به مکه آمد و مسلمان شدند. به همین جهت است که سخن جاودانه پیامبر مفهوم روشن خود را پیدا می‌کند که فرمود: اسلام پس از جاذبه مفاهیم و معنویت مقررات خود، با شجاعت و شمشیر عدالت طلب علی، و دارایی خدیجه، در برابر فشار استبداد برپای ایستاد و استواری یافت. «ما قامَ وَ لَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ» زندگی و همگامی این بانوی بزرگ با پیامبر، در خور هرگونه تحسین است. به همین دلیل آن حضرت پس از رحلت او نیز هرگاه نام بلند آوازه‌اش به میان می‌آمد، برایش طلب آمرزش می‌کرد و قلب مصفایش به یاد او می‌شکست و در اندوه آن یار مهربان و فداکار اشک می‌ریخت.<sup>۲</sup>

دانشمند شهیر عرب، بانو «قرآعه» می‌نویسد: تاریخ در برابر شکوه و عظمت «أم المومنین» خدیجه (س) سر فرود می‌آورد و در برابر او با نهایت فروتنی می‌ایستد و نمی‌داند که نام این بانوی بزرگ جمال و کمال را در کدامین فراز بلند خویش به ثبت برساند.<sup>۳</sup>

و نیز دکتر سعیده کرمی در این مورد می‌نویسد: بیست و پنج بهار از عمر پربرکت پیامبر می‌گذشت که با خدیجه - که برترین و والاترین دختر حجاز بود - پیمان زندگی مشترک بست، و فصل تازه‌ای در زندگی‌شان آغاز شد.

ازدواج پیامبر با خدیجه (س) در نوع خود بی‌نظیر و دارای ویژگی‌هایی بی‌سابقه بود؛ چراکه این پیوند مبارک نه ثمره عشق زودگذر بود، و نه برخاسته از انگیزه‌های مادی یا دیگر امور و اهداف رایج، که در ازدواج چهره‌های سرشناس وجود دارد. هدف‌های سیاسی نیز در امضا و تشکیل این زندگی و ساختار آن نقشی نداشت.<sup>۴</sup>

۱. امالی طوسی، ج ۲، ص ۸۲.

۲ فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد، ص ۲۵.

۳ نساء محمد صلی الله علیه و آله، ص ۳۸.

۴. سعیده کرمی، نسیم بهشت، ص ۴۷.

## ز: رعایت اصل پاکروشی و پاکمنشی در مدیریت اقتصادی

او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش و منش برجسته‌اش - که پاکروشی و پاکمنشی و راستی و درستی و عدالتخواهی و ستم‌ستیزی بود - گام برمی‌داشت و هرگز به هر قیمت و هر بهایی، سود نمی‌جست و در آمد نمی‌خواست. هرگز بسان برخی زورمداران و زرپرستان روزگار ما، تجارت را به عنوان وسیله‌ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما ظالمانه و ضد مردمی و به هر شکل و از هر راه نمی‌پسندید. هرگز در اندیشه سودجویی و منفعت طلبی‌های فردی و شخصی و بی‌رویه و بی‌ضابطه و به بهای فقر و فلاکت و اسارت و نگونساری مردم خویش نبود، بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی‌اش به دور از هر گونه تخلف اقتصادی و پاک از هر نوع آلودگی‌های مالی و به دور از هر گونه درآمدهای بادآورده و ظالمانه باشد، و راهی برای رشد و گامی برای پیشرفت جامعه و دنیای خویش.

از این زاویه بود که برخلاف رسم رایج بازار روزگارش، او از احتکار و انحصار، کم فروشی و فریب، از رباخواری و بهره‌کشی‌های ظالمانه رایج و از هر نوع حرام‌خوارگی مریی و نامریی و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت و دارایی دوری می‌جست، و کار پر شرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی‌ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می‌داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و هنر و از راههای مشروع و عادلانه‌ی تجارت و صادرات و واردات و تولید و توزیع و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند، نه از هر راهی.

## ک: جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه‌ای

او، به دلیل همین بینش زیبا و منش مترقی و ویژگی‌های اخلاقی و انسانی و مدیریت و مهارت خردمندانه نیز نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب نموده، که اطمینان بازارهای منطقه‌ای را نیز به دست آورده، و راه پیشرفت و ترقی و رشد را برای دیگران هم گشود، و آنگاه، موفقیت بود که از پی موفقیتی دیگر، و سود سرشار بود که، از پی سودی دیگر می‌رسید، و کاروان‌های تجاری خدیجه بود که مورد استقبال بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه و ... قرار می‌گرفت! چراکه او در خوشنامی و صداقت و امانت و جلب اعتماد، گوی سبقت را از همگان ربوده بود.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰ - ۳۰۲.

## ل: آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع

برابر اسناد موجود، خدیجه (س) مدیری آگاه و دلسوز و کار آفرین بود. به همین جهت قراردادهای ابتکاری و متنوعی با افراد می‌بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه، آنان را به کار می‌گماشت. او برخی را که دارای روح ابتکار و استقلال بودند، با اعطای سرمایه و تسهیلات، با قراردادی شبیه مضاربه به همراه کاروان خویش می‌فرستاد، و برخی را به صورت کارمند و کارگر و کارگزار به کار می‌گماشت. در واقع آن حضرت در تجارت به دو طریق مردم را انتخاب می‌کردند یک گروه که در مقابل یک اجرت معین و متناسب با سختی کار به آنان حقوق می‌دادند و گروه دوم به صورت مضاربه بود که سود حاصل از تجارت را به این افراد می‌دادند، از این رو حضرت خدیجه (س) براساس سهمیه‌ای که قبلاً مشخص شده بود حقوق را پرداخت می‌کردند اما در زمانی که کاروان‌های تجاری دچار خسارت شده بود حضرت خدیجه (س) خسارت مربوطه را متوجه اموال خود می‌دانست در واقع یک نوع بازار کار را برای افراد در دوران جاهلیت ایجاد کرده بودند.

از این راه در درجه نخست، بر مال حلال خویش می‌افزود و در درجه دوم، بر اقتصاد جامعه، خون مفید و ثروت سالم تزریق می‌کرد و در درجه سوم، گروهی را به خاطر همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می‌کرد و برای آنان فرصت کار و اشتغال و درآمد می‌آفرید، و در درجه چهارم، نیازهای متنوع مردم به کالا و وسایل زندگی را برطرف می‌ساخت، و بهتر و مطلوب‌تر از همه به ندای استقلال‌طلبی و آزادمنشی و آزادیخواهی و ستم‌ستیزی و ناسازگاری خویش با روند ظالمانه‌ی روزگارش پاسخ می‌داد.

اگر شرایط رباخواری آن روز جهان عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این بلا و این آفت بزرگ اجتماعی و اقتصادی و روانی و اخلاقی رفته است، آن‌گاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش‌فکر و روح خلاق و مبتکر او پی می‌بریم و با درایت و مدیریت تحسین برانگیزش در اقتصاد و تجارت و کارآفرینی و پیشرفت آگاه می‌کردیم.

برای نمونه، در برخی از اسناد تاریخی و روایی در مورد مدیریت و کارآفرینی خدیجه و خدمات بشردوستانه او، از زبان یکی از عموهای پیامبر در روزگار نوجوانی آن حضرت که جوایب کار با شرایطی ازادمنشانه و تسهیلاتی بدون منت بود، چنین آمده است: «أَمْضُوا بِنَا إِلَى دَارِ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ حَتَّى نَسْأَلَهَا أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّداً مَالاً يَتَجَرَّبُ بِهَا»<sup>۱</sup> باید به خانه خدیجه برویم و از او بخواهیم که سرمایه و تسهیلاتی در اختیار محمّد قرار دهد تا وی با آن تجارت نماید.

<sup>۱</sup> بحار، ج ۱۶، ص ۲۲.



## م: کارآفرینی با معنویت و بشردوست

اسناد تاریخی و روایی نشانگر آن است که درایت و مدیریت تحسین پرانگیز خدیجه علیها السلام در اقتصاد و تجارت، او را به اوج شهرت رسانده، و درست‌اندیشی و درست‌رفتاری و امانت او، وی را در سیمای کارآفرینی با معنویت و شایسته کردار و بشردوست و خدمتگزار نیروی کار، در مکه و حجاز شهره ساخته بود.

بی‌جهت نیست که وقتی فردی سرشناس و برجسته و آراسته به بلندنظری و شهامت و مناعت طبع، همانند ابوطالب در تلاش یافتن فرصت کار و امکان اشتغال در جایی پر اعتبار و سالم برای برادرزاده جوان و ارجمند خویش است، پیش از هر جا و هر کار و هر مؤسسه‌ای، از تشکیلات اقتصادی و تجاری دخت فرزانه حجاز آگاهی و مدد می‌جوید، و زمانی که به خاطر خوشنامی خود و خاندانش، بی‌درنگ پاسخ مساعد دریافت می‌دارد، به برادرزاده ارجمندش می‌گوید: محمد جان! برابر پیشنهادی که دریافت داشته‌ام، مؤسسه اقتصادی و بازرگانی خدیجه، در اندیشه یافتن مردی هوشمند و کارآمد و آراسته به اخلاق نیک و امانت است تا مدیریت کاروان بزرگ او به سوی شام را بر عهده‌ی وی بسپارد، به باور من فرصت خوبی است که شما خود را به آن مؤسسه و مدیریت موفق آن معرفی نمایی و برای این کار اعلام آمادگی کنی.<sup>۱</sup> محمد با پیشنهاد عمومی گرانقدرش موافقت نمود، و در این اندیشه رفت که چگونه میان مناعت طبع و روح بلند خود از یک سو، و از سوی دیگر با درخواست کار از خدیجه، بدون هیچ‌آشنایی چهره به چهره و سابقه قبلی با مؤسسه او، هماهنگی برقرار سازد؟ هنوز در اندیشه حل این معما بود که پیک خدیجه از راه رسید و در پیگیری گفتگوی ابوطالب در این مورد، محمد(ص) را برای آشنایی و مذاکره دعوت نمود. محمد(ص) با فرستاده خدیجه به گفتگو نشست و او ضمن دعوت وی به کار، خاطر نشان ساخت که: نیروی کار برای ما فراوان است، اما آنچه مدیریت این مؤسسه‌ی تجاری را به تو علاقمند ساخته و در اندیشه عقد قرارداد و سپردن مدیریت کاروان بزرگ بازرگانی خدیجه به سوی شام با محمد است، همان گوهر اخلاق و معنویت و راستی و امانت و درستی و پاک‌منشی و شیوه‌ی شایسته و خوشنامی او در زندگی است.

محمد(ص) جریان را با عمومی فرزانه و دلسوز خویش ابوطالب در میان نهاد و او گفت: «إِنَّ هَذَا الرِّزْقَ سَاقَهُ اللَّهُ إِلَيْكَ»<sup>۲</sup> این رویداد خوش، وسیله و راهی است برای اشتغال و درآمد زندگی که خدای مهربان آن را به سوی تو روان ساخته است.

۱. بحار، ج ۱۶، ص ۲۲.

۲. سیره ی ابن هشام، ج ۱، ص ۱۵۸؛ کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۴.

محمد(ص) پس از ترغیب فرزانه قریش، به سوی مرکز تجاری خدیجه رفت و ضمن دیدار با او و شنیدن شرایط و مقررات کار و حقوق و مزایای آن، دریافت که مدیریت بازرگانی خدیجه حاضر است دو برابر حقوقی که به دیگران می‌دهد به محمد بپردازد، و دو غلام خویش را نیز برای انجام فوری و دقیق تصمیمات او، از آغاز تا انجام سفر تجاری به همراه او گسیل دارد و او نیز پس از مساعد و مطلوب دیدن شرایط و مزایا و منش و رفتارها، آمادگی خود را برای همکاری اعلام داشت.

چیزی نگذشت که کاروان بزرگ تجاری قریش به سوی شام حرکت کرد، و کاروانش خدیجه و کالای متنوع و مرغوب او نیز در قالب آن به راه افتاد. آن بانوی مدیر و کارآفرین افزون بر کالای کاروان، مرکبی راهوار و مقداری کالای ارزشمند نیز جدا از کالای کاروان در اختیار مدیر بازرگانی خویش قرار داد، و به دو تن از چابک‌ترین و باهوش‌ترین و ادب‌آموخته‌ترین غلامان خود نیز دستور داد تا در همه مراحل کار و سفر گوش به فرمان محمد(ص) باشند، و هر آنچه نیز از او دیدند در خاطرات خویش بنویسند و به هنگام بازگشت به مدیریت مؤسسه بدهند.

جالب است که کاروان رفت و با موفقیت و سودی رضایتبخش بازگشت و در همین نخستین سفر بود که درایت و امانت محمد درخشید، و ابتکارات او کارساز گردید و در نتیجه سود تجاری سرشاری را نصیب کالا و کاروان خدیجه نمود.

افزون بر آن سند درایت و هوشمندی و قدرت ابتکار و توانایی محمد، گزارش دو فرستاده خدیجه، یکسره از امانت و معنویت و منش مترقی و ادب و اخلاق او خبر داد و دخت ارجمند حجاز را برای همیشه شیفته‌اندیشه والا و شیدای منش زیبا و امانت و درستی او ساخت.

### بخش ششم: ویژگی‌های الگویی حضرت خدیجه(س) در بعد سیاسی

نقش سیاسی زنانی نظیر حضرت خدیجه(س) ممکن است نقشی متعارف - چنان که از این عبارت انتظار می‌رود - نباشد اما هیچکس در اهمیت و تعیین کننده بودن آن تردیدی ندارد و این موضوع با رجوع به متون تاریخی و احادیث و روایات در همان نگاه اول رخ می‌نماید و نیز چنین ویژگی شاید با مرور زندگی شخصیت حضرت خدیجه(س) به عنوان کسی که ۲۵ سال در بحرانی‌ترین دوران صدر اسلام در کنار پیامبر بود، بیش از پیش جلوه گر شود. از این رو برای آشنایی بیشتر با ویژگی‌های سیاسی آن حضرت مواردی را در این مورد بیان می‌کنیم. واز بیانات مقام معظم رهبری که از نزدیک با بحث‌های سیاسی یک انقلاب آشنا می‌باشند را بیان می‌داریم؛

**الف: اعتقاد به مشارکت در امور سیاسی**

یکی مراحل حضور زن در صحنه سیاست، آشنایی با فعل و انفعالات و جریانات سیاسی حاکم بر جامعه و موضع گیری مناسب در برابر این رخدادهاست. مرتبه اول موضع گیری نیز آن است که فرد از نظر قلبی به جریان های سیاسی که بر اساس حق به وجود آمده گرایش داشته و از فعالیت جریان های غیرمنطبق با آن، احساس ناخشنودی باطنی نماید.

اعلام ایمان و پیروی از پیامبر اکرم (ص) در دوران اختناق یکی از بهترین و کارآمدترین موضع گیری های حضرت خدیجه در امور سیاسی می باشد. روشن است که این سختی ها در آغازین گاه یک انقلاب، به دلیل فقدان پشتوانه مالی و نظامی، از کم و کیف بیشتری برخوردار است و طبیعتاً اعتقاد به مشارکت و پیروی از یک رهبر در این ایام ارزش و اهمیت والائی داشته و در پیشبرد اهداف انقلابی رهبری تاثیر بنیادینی دارد. از این منظر ایمان آوردن حضرت خدیجه (س) و حضرت علی (ع) در اولین ساعات بعثت نبی مکرم (ص) و پیروی این هر دو از آن حضرت و تحمل سختی های این مسیر از اهمیت والائی برخوردار است. اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر، امید هیچ پیروزی نیز در کار نیست، خود بزرگترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می رود؛ اگر نه ایمان آوردن بعد از کسب پیروزی و قدرت، از لحاظ ارزش و تاثیر قابلیت مقایسه با ایمان و پیروی در آغاز انقلاب را ندارد. رهبر معظم انقلاب با اشاره به اهمیت پیروی از رهبری یک انقلاب در دوران سختی و مرارت می فرماید: «وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده اند، همه از اوضاع راضیند؛ می گویند خدا پدرش را بیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد. وقتی سختی پیدا می شود، همه دچار تردید می شوند»<sup>۱</sup>

**ب: مشارکت عملی در امور سیاسی**

حضرت خدیجه (س) اولین شخصیتی بود که به حمایت تمام قد از پیامبر اکرم (ص) اهتمام نمود و در این راه جان و مال خود را فدا نمود. اهمیت حمایت های همه جانبه، بخصوص حمایت مالی حضرت خدیجه (س) از نبی مکرم (ص) در آغازین گاه انقلاب نبوی آنگاه روشن می شود که بدانیم - به تعبیر رهبر معظم انقلاب - در دوران انقلاب و اختناق نقش کمک های مالی نقشی بنیادین است و اگر در ابتدای انقلاب نبوی کمک های مالی حضرت خدیجه (س) نبود، به احتمال زیاد فرآیند تکاملی انقلاب نبوی در آغاز راه مختل می گردید: «خدیجه کبری (س) در آغاز اسلام ایمان آورد؛ بزرگترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگواری انجام داد، اول مؤمن به اسلام او بود، بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و

<sup>۱</sup> خامنه ای، علی، سخنرانی ایراد شده در تاریخ: (۱۳۷۷/۲/۷).

ترویج اسلام خرج کرد، و تأثیر این کار را کسانی می‌دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک‌های مالی را به مبارزین تجربه کردند. که اگر کمک‌های خدیجه (س) نبود شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده‌ای به وجود می‌آمد»<sup>۱</sup>

### ج: ایستادگی و مقاومت در تحریم و محاصره شعب ابی‌طالب

تاریخ حکایت‌گر آن است که هر گاه ندایی و انقلابی در راستای حق‌طلبی و بر ضد ستمگری و استبداد قد برافراشته است، مستکبران و مستبدان از هر راهی برای نابودی و خاموش کردن آن انقلاب بهره گرفته‌اند. حملات سرد و گرم، مبارزات مخفی و عیان، تهاجم فرهنگی و نرم و... از جمله این هجمه‌ها، هجمه اقتصادی در قالب محاصره و تحریم اقتصادی است. آن چیزی که امروز ملت مسلمان ایران با آن مواجه است. از قضا دشمنان پیامبر اکرم (ص) نیز پس از ناکامی در متوقف کردن انقلاب نبوی، با استفاده از محاصره و تحریم اقتصادی-سیاسی و فرهنگی تلاش نمودند پیروان پیامبر اکرم (ص) را از اطراف او پراکنده و انقلاب الهی آن حضرت را از پای درآورند. براساس گزارشات مسلم تاریخی ستمگران مکه در راستای این تصمیم، پیامبر اکرم (ص) و وابستگان و اطرافیان و پیروان حضرتش را در شعب ابی‌طالب تحت محاصره همه جانبه‌ای قرار دادند: محاصره سیاسی، محاصره فرهنگی، محاصره اقتصادی و... دانست. محاصره شعب ابی‌طالب تا سه سال ادامه داشت.

چنانکه تاریخ نقل کرده، یاران و پیروان صدیق پیامبر اکرم (ص) با تکیه بر ایمان مستحکم خویش در این راه ایستادند و مقاومت نمودند؛ ولی در عین حال همه سختی‌ها به دوش پیامبر فشار می‌آورد. در همین اوضاع بود که حضرت خدیجه (س) تمام قد به حمایت از پیامبر اکرم (ص) پرداخت و در این راه تمامی اموال خویش را تقدیم نمود. همچنین در این مدت به حمایت عاطفی و معنوی از آن حضرت همت گمارد و همواره به آن حضرت دلگرمی بخشید. در این میان، تنها مونس و غمخوار آن حضرت، حضرت خدیجه (س) بود. در حقیقت اقدامات حضرت خدیجه (س) در این ایام بخشی معطوف به کل مسلمین بود که به عنوان بانوی اول اسلام و مادر تمامی مؤمنین، مادرانه به اوضاع مسلمین رسیدگی می‌کرد و با هزینه کرد ثروت خویش روحیه استقامت و پایداری را در آنها زنده نگاه می‌داشت. بخشی دیگر نیز معطوف به شخص نبی مکرم (ص) بود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، حضرت خدیجه (س) در تمام ایام عمر و خصوصاً در ایام سخت شعب ابی‌طالب «بزرگترین کمک روحی برای پیامبر به‌شمار می‌رفت»<sup>۲</sup>. این هر دو سنخ اقدام، از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار در گذار از ایام محاصره و تحریم و پیروزی اولیه اسلام به شمار می‌رود. رهبر معظم انقلاب در تبیین و تحلیل دوران محاصره و تحریم در شعب ابی‌طالب و مقاومت مسلمین

۱. خامنه‌ای، علی، سخنرانی ایراد شده در تاریخ: (۱۳۶۵/۳/۲).

۲. خامنه‌ای، علی، سخنرانی ایراد شده در تاریخ (۱۳۷۷/۲/۷).

در این ایام و عامل این استقامت می فرماید: «همان ایستادگی اول بعثت، منجر می شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی طالب. شوخی نیست؛ سه سال در یک دره‌ای در مجاورت مکه، بدون آب، بدون گیاه، در زیر آفتاب سوزان. پیغمبر، جناب ابی طالب، جناب خدیجه، همه مسلمان‌ها و همه خانواده‌هایشان توی این تکه - شکاف کوه - زندگی کردند. راه هم بسته بود که برای اینها غذا نیاید، خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود، یعنی جنگ نبود - می توانستند داخل شهر بیایند، اما تا می خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند، ابوجهل و ابولهب و بقیه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آنها خواستند جنسی را بخرند، شما وارد معامله شوید، دو برابر پول بدهید، جنس را شما بخرید و نگذارید آنها جنس بخرند. با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند. این شوخی است؟ آن استقامت اولی، آن عمود مستحکم این خیمه، آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می آورد که آحاد صبر می کنند. شب تا صبح بچه‌ها از گرسنگی گریه می کردند که صدای گریه بچه‌ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش می رسید و ضعفای آنها هم دلشان می سوخت؛ اما از ترس اقویا جرأت نمی کردند کمک کنند.»<sup>۱</sup>

#### د: سرپرستی و تربیت جانشین و وصی نبوت

در جملگی انقلاب‌هایی که با برنامه‌ریزی صحیح صورت می گیرد، از همان ابتدا یکی از دغدغه‌های رهبری انقلاب و نیز انقلابیون، مسئله جانشینی رهبری است.

در انقلاب نبوی نیز این امر از اهمیت بسزایی برخوردار بود، به گونه‌ای که اولین اقدام نبی مکرم (ص) پس از علنی کردن دعوت خویش، تعیین جانشین خود بود که در داستان دعوت سران و بزرگان قریش، حضرت علی (ع) را به عنوان جانشین و وصی خود تعیین نمود. جالب اینجاست که این جانشین و وصی پیامبر اکرم (ص)، بنا به مصلحت الهی و نیز اطلاع الهی نبی مکرم (ص) از وصایت حضرت علی (ع)، از دوران طفولیت و کودکی در خانه پیامبر اکرم (ص)، آغوش گرم آن حضرت و دامن مطهر حضرت خدیجه تحت تربیت و رشد قرار گرفته است. از این منظر نیز نقش حضرت خدیجه (س) در جریان انقلاب نبوی، نقشی بنیادین است، چه اینکه تربیت جانشین رهبری انقلاب، تاثیر عمیقی در مراحل مختلف انقلاب - ایجاد، استقرار و استمرار - دارد. نقش این امر در ایجاد انقلاب، آنجاست که برنامه‌ریزی شده بودن انقلاب را به رخ می کشد که این انقلاب، انقلابی ابتر نیست که با رفتن رهبر، از بین برود. بنابراین «ایجاد امید به آینده انقلاب» و در نتیجه پایداری و استقامت پیروان، نقش مهم این مسئله در ایجاد انقلاب است. در مراحل استقرار و توسعه انقلاب نیز اثر این مهم اثری عملی است که بطور فیزیکی و حضور شخص وصی و

<sup>۱</sup> همان، (۱۳۸۷/۵/۹).

جانشین در راس انقلاب و مدیریت آن، خود را می‌نمایاند. حضرت خدیجه (س) با نگاهداری مادرانه و تربیت صحیح حضرت علی (ع) این خدمت کلان و با ارزش را به انقلاب نبوی نموده است.

### و: تربیت مونس و غمخوار نبی مکرم و همسر وصی انقلاب

از دیگر خدمات چشمگیر حضرت خدیجه (س) به پیامبر اکرم (ص) و انقلاب الهی ایشان، به دنیا آوردن و تربیت شخصیتی بود که بعدها به خاطر خدمات بنیادینش به پیامبر اکرم (ص)، لقب «ام‌ابیها» را از جانب آن حضرت دریافت کرد. در واقع حضرت خدیجه (س) با تربیت صحیح و دقیق حضرت زهرا (س) علاوه بر خدمتی که به کل جریان انقلاب نبوی نمود، برای دوران اولیه ایجاد و آغازی نگاه آن نیز تاثیر شگرف داشت؛ رهبر معظم انقلاب با ادبیات ذیل به تبیین شخصیت و جایگاه حضرت زهرا (س) در فرآیند انقلاب نبوی در دوران خلاء وجودی حضرت خدیجه اشاره فرموده است: در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند، آن شرایط دشوار را تحمل کرد. پیغمبر تنهاست، بی‌غمگسار است، همه به او پناه می‌آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزداید؟ یک‌وقت خدیجه بود، که حالا نیست. ابوطالب بود، که حالا نیست. در چنین شرایط دشواری، در عین آن گرسنگی‌ها و تشنگی‌ها و سرما و گرمای دوران سه‌ساله شعب ابی‌طالب که از دوران‌های سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در دره‌ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می‌کردند؛ این دختر مثل یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان بزرگ، مشکلات را تحمل کرد. غمگسار پیغمبر (ص) شد، بارها رابردوش گرفت<sup>۱</sup>

### م: کوشا و پرتلاش در راه تربیت و سازندگی نزدیکان

در کلاس تربیتی آن بزرگوار، زمینه‌ی مناسب و فضای مساعدی را برای تغذیه فکری و فرهنگی و اخلاقی و انسانی افراد دیگر نیز فراهم بود تا آنان در آن فرصت و فضای آزاد و آرام، امکان یابند تا بیندیشند و تربیت شوند و راه زندگی را چنان برگزینند که به صورت انسان‌هایی خوش‌فکر و کمال طلب و آزادمنش سر بر آورند. نمونه‌هایی از آنان خواهرزاده‌ها و فرزندخوانده‌های «رقیه»، «زینب» و «هند» هستند،<sup>۲</sup> که هر کدام در روزگار خود به برکت مراقبت و مدیریت او خدیجه، راه شایستگی را انتخاب کردند و خوش درخشیدند؛ برای نمونه:

**الف.** «هند» یکی از خواهرزاده‌های «خدیجه» است، که فرزندخوانده‌ی او هم بود. وی در خانه‌ی و در قلمرو مراقبت و حمایت و آموزش و مدیریت او تربیت شد و به گونه‌ای در خودسازی و ایمان و ادب رشد نمود

<sup>۱</sup> همان، ۲۵ (۷۱/۹).

<sup>۲</sup> تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۷.

که در ردیف یاران بزرگ پیامبر به شمار آمد؛ به ویژه که این سعادت را داشت که از پیش و منش پیامبر نیز در فرصتی بسیار بهره‌ور گردد.<sup>۱</sup>

او همان جوانمردی است که در شب تاریخی هجرت از مکه به سوی مدینه، پیشوای آزادی را با شهامت و اخلاص تا غار «ثور» همراهی نمود و به فرمان او به مکه باز آمد.

او یک شب پس از هجرت پیامبر (ص)، به همراه امیرمؤمنان به طور نهانی به دیدار پیامبر گرامی در غار رفت و به دستور او موظف گردید که به همراه علی علیه السلام مرکب و وسایل سفر آن حضرت برای هجرت را با ظرافت و رعایت مسایل امنیتی فراهم آورد.<sup>۲</sup>

این تربیت یافته مکتب خدیجه (س) پس از رویداد تاریخساز هجرت در هوای آموزه‌های رهایی‌بخش اسلام و پیامبر آزادی به مدینه شتافت و در صف آزادیخواهان و ستم‌ستیزان، در «بدر» و «أُحُد»، مبارزه‌ها و فداکاری‌های خداپسندانه و تحسین‌برانگیزی نمود.

او پس از رحلت پیامبر گرامی در غوغای انحصارگری و خشونت تشنگان قدرت - که خود را شیفته خدمت جا می‌زدند - راه درست هدایت را گم نکرد، بلکه در کنار سمبل عدالت و نفس نفیس پیامبر (ص) ایستاد و مورد خشم دنیاداران قرار گرفت و در «جمل» به شهادت رسید.<sup>۳</sup>

ب. «حارث»، نمونه‌ای دیگر از اثرپذیران و تربیت یافتگان خدیجه (س) بود. او نیز بر اثر آموزش و عملکرد و مدیریت و مراقبت بانوی آزادی و معنویت به شاهراه راستی و درستی گام نهاد و بر اثر خودسازی و خودشکوفایی و مراقبت به گونه‌ای درست اندیشید و نیک رفتار نمود و خوش درخشید که نه تنها در زندگی، موفق و نیکومنش گردید که جان شیرین را در طبق اخلاص نهاد و به بارگاه خدای خویش هدیه کرد و به بیان برخی از پژوهشگران، او نخستین شهید راه عدالت از مردان مسلمان گردید.

ج. از دیگر پرورش یافتگان مکتب مترقی و منش و مدیریت انسان‌پرور بانوی تاریخ‌ساز اسلام و عرب، خدیجه دختری است به نام «هند» که از خواهرزاده‌ها و فرزندخوانده‌های اوست.

او در کنار دخت خردمند حجاز به گونه‌ای به آگاهی و رشد راهنمایی شد که پس از طلوع اسلام و بعثت پیامبر گرامی بر اثر آن مایه‌های تربیتی و مهندسی روحی و معنوی، به سوی حق و عدالت گرایید و به گونه‌ای خود را ساخت و به خودشکوفایی نائل آمد که در شمار یاران بزرگ پیامبر و یکی از بانوان نواندیش و با معنویت و پروا به حساب آمد.

<sup>۱</sup> بحار، ج ۱۶، ص ۱۴۸؛ اسد الغابه، ج ۵، ص ۷۲؛ سیره ی ابن هشام، ج ۱، ص ۱۸۷.

<sup>۲</sup> سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۲۵.

<sup>۳</sup> سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۲۵.

## نتیجه گیری

با توجه به مطالب فوق می توان اینگونه بیان کرد که حضرت خدیجه کبری (س) به عنوان یک زن بزرگ که از شرایط مادی و معنوی قابل توجهی برخوردار بود. بدون توجه به محدودیت های نادرست و با در نظر گرفتن شأن و ارزش اجتماعی و انسانی خود توانست با مدیریت صحیح و با درک به موقع شرایط، جنبه های مختلف مکنون در وجود مبارک خود را پرورش داده و ضمن ایفای نقش خاص خود به عنوان یک زن، در تمامی عرصه های مهم جامعه آن روز جزیره العرب نقش بسزا و در خوری را ایفا نماید. به این معنی که ایشان در اقتصاد به عنوان تاجری موفق، در فرهنگ به عنوان یک زن پیشرو، در اجتماع به عنوان مدافع ارزشهای والای انسانی، در سیاست حامی مصلح و در خانواده به عنوان همسر و مادری نمونه به ایفای نقش پرداخت. و توجه به یکی از آنها بی توجهی ایشان به سایر جنبه ها را موجب نشده و در عین حال جنسیت بانوی بزرگ اسلام نیز باعث نگردد که ایشان در انجام فعالیت های خود دچار محدودیت شده و یا نیازمند تغییر الگوهای رفتاری گردد. و این شرایط می تواند موجب گردد زنان مسلمان با الگوگیری از رفتار فردی و اجتماعی ایشان راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را با بهره گیری از الگویی در دسترس پیش روی خود داشته باشند و با پیروی از ایشان ضمن دستیابی به جایگاهی که در خورشان آنها می باشد به شکوفایی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران اسلامی کمک نموده و در تربیت نسلی پیشرو و پیشگام در عرصه بهسازی جامعه موفق باشند.

## فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲. ابن اثیر، کامل، (۱۳۷۰)، الکامل فی التاریخ، بیروت: انتشارات اساطیر.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: نشر دار صادر.
۵. ابن شهر آشوب، محمد، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، چاپ سوم، قم: انتشارات علامه.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۷. ابن هشام، عبد الملک، (۱۳۷۵ش)، سیره النبویه، مترجم: رسولی، هاشم، تهران: نشر کتابچی.
۸. ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، (۱۳۷۶ش)، تذکره الخواص، قم.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب، مصحح: رسولی، هاشم، قم: نشر علامه.



۱۰. ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۴۱۱ق)، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، مترجم: ابوطالب کرمانی، محمدحسن، قم: نشر دار الذخائر.
۱۱. ابوالفرج، عبدالرحمان بن علی بن محمد، (۱۳۹۹)، **صفوه الصفوه**، چاپ دوم، بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱)، **کشف الغمّة**، تبریز: مکتبه بنی هاشم.
۱۳. الاصفهانی، ابو الفرج، (۱۳۸۱)، **مقاتل الطالبین**، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالکتاب.
۱۴. امینی، (۱۳۷۲ق)، **الغدیر فی الکتاب و السنّة**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۵. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۳۸۹)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه البعثه.
۱۶. بکری، احمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، **الانوار فی مولد النبی (ص)**، قم: انتشارات شریف رضی.
۱۷. تستری، محمدتقی، (۱۴۳۱ق)، **قاموس الرجال**، چاپ سوم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. حائری، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، **شجره طوبی**، چاپ پنجم، نجف: منشورات المکتبه الحیدریه فی النجف.
۱۹. حلّی، علی بن یوسف، (۱۴۰۸ق)، **العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه**، محقق مهدی رجایی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، **لغت نامه**، چاپ: دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۲۱. رازی، ابوالفتح، (۱۳۷۱)، **روض الجنان**، به کوشش: محمدجعفر یاحقی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۲۲. راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹)، **الخرائج و الجرائح**، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
۲۳. سیلاوی، غالب، (۱۳۸۳)، **الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد (ع)**، چاپ دوم، بی جا: انتشارات محلاتی.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۶۲م)، **تاریخ الرسل و الملوک**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸)، **الأمالی**، مترجم: حسن زاده، صادق، قم: نشر اندیشه هادی.
۲۷. قزوینی، محمد کاظم، (۱۳۹۰)، **فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد**، چاپ اول، قم: دارالغدیر.
۲۸. قمی، عباس، (۱۳۶۳)، **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار الأنوار**، قم: نشر اسوه.
۲۹. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۲)، **سیما و سیره ریحانه پیامبر**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دلیل ما.

۳۰. کرمی، سعیده، (۱۳۸۸)، نسیم بهشت، چاپ اول، انتشارات نسیم انتظار.
۳۱. کفعمی، ابراهیم بن علی عامل، (۱۴۱۳ق)، مصباح، دار الکتب العلمیه، نجف: نشر بیضون.
۳۲. مامقانی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تنقیح المقال فی علم الرجال، محقق: مامقانی، محی الدین، قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
۳۳. مامقانی، عبدالله بن محمد حسن، (۱۳۵۲ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: مطبعه مرتضویه.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت مؤسسه الوفاء.
۳۵. محلاتی، ذبیح الله، (۱۳۶۹)، ریاحین الشریعه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۶. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الافصاح فی امامه امیرالمؤمنین، چاپ اول، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۳۷. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بیروت: دارالجنان.
۳۸. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۵)، صحیفه نور، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۹. موسوی مفرم، عبد الرزاق، (۱۳۸۹)، مقتل الحسین، مترجم: عباس حاجیان دشتی، چاپ هفتم، قم: انتشارات اسلامی.